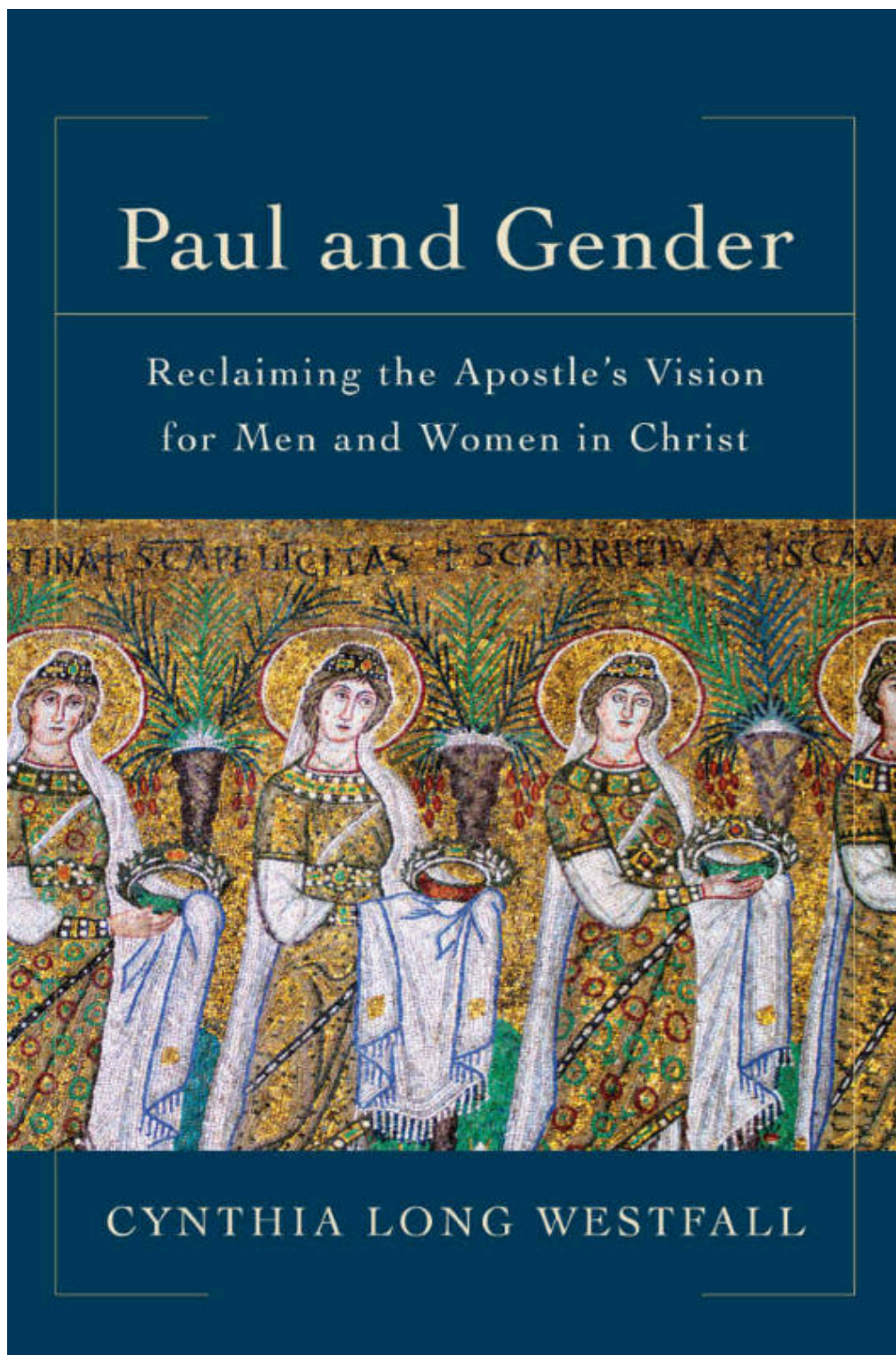


تعلیم دادن و تسلط داشتن و بیش از این در اول تیموتائوس

15-2:11

سینتیا لانگ وستفال (Cynthia Long Westfall) · ترجمه آلمانی: Hans-Jörg Ronsdorf · فوریه 2021 ·
بازنگری شده در اکتبر 2026

«زن در آرامی و با کمال تسلیم بیاموزد. اما به زن اجازه نمی‌دهم که تعلیم دهد یا بر مرد تسلط داشته باشد، بلکه آرام باشد، زیرا آدم نخست شکل یافت، سپس حوا؛ و آدم فریب نخورد، بلکه زن فریب خورد و در تقصیر افتاد. اما او در زایمان نجات خواهد یافت، اگر در ایمان و محبت و قدوسیت با نجات بمانند.» (به نقل از ترجمه آلمانی Elberfelder (ترجمه آلمانی کتاب مقدس)، ویرایش CSV Hückeswagen)



Westfall, Cynthia Long. 2016

.Paul and Gender: Reclaiming the Apostle's Vision for Men and Women in Christ

Baker Publishing Group. نسخه Kindle. ترجمه فصل 9 (از ص. 279)، بدون پانویس‌ها و ارجاع‌های

فراوان به منابع.

هر کوششی برای پرداختن جامع به پولس و مسئله جنسیت، ناگزیر باید با اول تیموتائوس 2:11-15 روبه‌رو شود، و با این پرسش که این متن را با توجه به دیگر نامه‌های پولس و در بافت خود نامه چگونه باید خواند.

از نظر تاریخی، اول تیموتائوس 2:12 متن اصلی‌ای است که تا به امروز برای کنار گذاشتن زنان از برخی فعالیت‌ها و نقش‌ها در کلیسا به کار رفته است، صرف‌نظر از آموزش، توانایی‌ها یا عطایای روحانی یک زن. این متن عینکی یا طرحی تفسیری پدید آورده که همهٔ دیگر بخش‌های کتاب مقدس دربارهٔ زنان از پشت آن فهمیده می‌شوند. در تفسیر سنتی، در واقع به نظر می‌رسد که اطاعت از این بخش کتاب مقدس، همراه با تسلیم، کل گسترهٔ دعوت یک زن را مشخص و محدود می‌کند. از این رو ضرورتی قطعی است که تفسیر جامع‌تری از این بخش ارائه شود و امکان‌های تفسیری و نیز پیامدهای (لوازم) برخی تصمیم‌های تفسیری بررسی گردد. در پایان، خوانشی منسجم از این بخش ارائه می‌کنم. این خوانش حق متن را ادا می‌کند – در بافت کلی فرهنگ افسس و در بافت نامهٔ اول تیموتائوس، از جمله هدف و قصد اعلام‌شدهٔ نامه و اطلاعات مربوط در نامه‌ها به تیموتائوس. و حق رشتهٔ اندیشهٔ پولس را نیز ادا می‌کند.

هر تفسیری از اول تیموتائوس 2:11-15 از راه یک فرایند تفسیری به نتیجه‌هایی دربارهٔ متن می‌رسد. چند دوراهی یا نقطهٔ عطف مهم تفسیری هست که مفسران در آن‌ها، پیش از آنکه مشخصاً به بخش مورد نظر بپردازند، تصمیم‌های تعیین‌کننده‌ای می‌گیرند – تصمیم‌هایی که بر نتیجه اثر می‌گذارند. برخی از این تصمیم‌ها حتی به نظر می‌رسد فرض‌هایی نسبتاً واری‌نشده باشند. من این نقاط عطف را برجسته می‌کنم و دربارهٔ لوازم تصمیم‌های تفسیری بحث می‌کنم. پس از آنکه هدف نامه را رد تعلیم نادرست شناساندم، چنان‌که در مقدمه در اول تیموتائوس 3:1-4 آمده است، اطلاعات نامه را دربارهٔ تعالیم و رفتارهای نادرستی که با جنسیت مرتبط‌اند گرد می‌آورم. اطلاعات دربارهٔ تعلیم نادرست در میان مردان و زنان، بافت یا زاویهٔ دیدی را فراهم می‌کند که دستورهای خطاب به مردان و زنان در 2:8-10 باید در آن خوانده شود – و نیز دستور ویژه به یک زن و ممنوعیت‌های مربوط به آن. این کار خوانشی تازه از این بخش را ممکن می‌سازد که با بافت، با متن و با الهیات پولس هم‌خوان است.

9.1 تصمیم‌های تفسیری دامنه‌دار

حتی پیش از آنکه متن تحلیل شود، چند تصمیم تفسیری گرفته شده است که مستقیماً بر تفسیر آن اثر می‌گذارد.

نخستین اختلاف نظر به این پرسش مربوط است که آیا متن برای کلیسا و زندگی مسیحی الزام‌آور (معتبر و صاحب اقتدار) است.

دومین اختلاف نظر به نویسندگی پولس مربوط است.

سومین اختلاف نظر به این پرسش مربوط است که آیا مخاطب یک فرد است یا یک گروه.

چهارمین اختلاف نظر به نقشی مربوط است که بافت در تعیین مقصود متن دارد.

پنجمین اختلاف نظر به شناسایی صحنه یا سناریوی اول تیموتائوس 2:1-15 مربوط است.

انتخابی که در هر نقطهٔ تصمیم انجام می‌شود، معمولاً دیگر انتخاب‌ها را نیز تعیین می‌کند.

9.1.1 نامهٔ اول تیموتائوس به عنوان کلام معتبر خدا

پیشنهاد می‌کنم که یک تصمیم تفسیری بنیادین این است که آیا متن در کلیسا معتبر و صاحب اقتدار شمرده می‌شود یا نه. این بزرگ‌ترین شکاف میان مفسران است و نشانگری روشن از رویکرد هر کس به

متن. چنان‌که در ادامه بحث می‌شود، بیشتر دانشمندان نویسندگی پولس را برای نامه‌های شبانی انکار می‌کنند. در نتیجه کسانی که نویسندگی او را انکار می‌کنند، می‌توانند یا نامه را نادیده بگیرند (که رایج است) یا، مانند رویکردهای فمینیستی، نویسندگی را چنین نشان دهند که جهان‌بینی ناخوشایند و ناپذیرفتنی قرن اول یا دوم دربارهٔ زنان او را هدایت می‌کند. برخی متن را در تناقضی آشکار با دیگر نامه‌های پولس تفسیر می‌کنند، به جای آنکه آن را در بافت دیگر متن‌های پولس معنا کنند. اما کسانی نیز هستند که نامه را معتبر می‌پذیرند - یا چون بخشی از قانون کتاب مقدس است یا چون آن را از پولس می‌دانند. کسانی که نویسندگی پولس را زیر سؤال می‌برند اما نامه را به عنوان بخشی معتبر از قانون کتاب مقدس می‌پذیرند، باز هم می‌توانند این کتاب را از نظر اقتدارش به حاشیهٔ قانون برانند. کسانی که متن را از پولس می‌دانند، انگیزهٔ بیشتری دارند که به کار تفسیری دقیق نیز تن دهند. آنان علاقه دارند آن را در پیوند با دیگر بخش‌های نوشته‌های پولس تفسیر کنند و در ساختن الهیاتی منسجم (یعنی به‌طور منطقی پیوسته و قابل فهم) از پولس به کار گیرند.

9.1.2 نامهٔ اول تیموتائوس به عنوان نامه‌ای از پولس

در اول تیموتائوس 1:1 آمده است که نامه را «پولس، رسول مسیح عیسی» نوشته است، و این آن را نامه‌ای از پولس معرفی می‌کند. اما بیشتر دانشمندان آن را نوشتهٔ حلقه‌ای از شاگردان پولس پس از مرگ او می‌دانند که در اواخر قرن اول یا اوایل قرن دوم نگاشته شده است. در این صورت این نامه تحولی متأخر یا گسترشی از الهیات پولس، یا احتمالاً اصلاحی بر آن، می‌بود. اقلیتی آن را نوشتهٔ پولس تاریخی در دوران زندگی‌اش می‌دانند و مطالب زندگی‌نامه‌ای افزودهٔ نامه‌های شبانی را در زندگی او جای می‌دهند. نامه‌های شبانی چارچوب را گسترش می‌دهند و اطلاعاتی زندگی‌نامه‌ای به آنچه در کتاب اعمال رسولان و دیگر نامه‌های پولس یافت می‌شود می‌افزایند. کسانی که این دیدگاه را دارند، می‌خواهند این نامه را نیز در بافت الهیات مجموعهٔ بزرگ‌تر نوشته‌های پولس تفسیر کنند. در حالی که بیشتر مسیحیان عادی فرض می‌کنند که متن را تنها خود پولس نوشته است، در میان دانشمندان رایج است که بپذیرند پولس برای نوشتن نامه از یک کاتب (amanuensis)، مانند لوقا، بهره گرفت. اجماع کسانی که به نویسندگی پولس پایبندند این است که اول تیموتائوس پس از رویدادهای ثبت‌شده در کتاب اعمال رسولان نوشته شد، و این وضعیت و شرایطی را که پولس در افسس به آن پرداخت، در حدود سال‌های 63-65 میلادی قرار می‌دهد، دست‌کم هشت سال پس از اقامت طولانی‌تر پولس در افسس در سفر بشارتی سومش (اعمال رسولان 19:10) و دست‌کم چهارده سال پس از آنکه تیموتائوس، در حدود سال 49 میلادی، در سفر بشارتی دوم به گروه بشارتی پولس پیوست (اعمال رسولان 16:1-3).

9.1.3 نامهٔ اول تیموتائوس به عنوان نامه‌ای شخصی

متن، گیرندهٔ نامه را «تیموتائوس، فرزند راستین من در ایمان» (1:2) معرفی می‌کند و به‌طور صوری نشان می‌دهد که این نامه‌ای شخصی است. با این حال بیشتر دانشمندان باور دارند که اول تیموتائوس نامه‌ای عمومی است که خطاب به گروه بزرگ‌تری از کلیسا یا به کلیساهای مسیحی نوشته شده است. این دانشمندان هم کسانی را شامل می‌شوند که نویسندگی پولس را انکار می‌کنند و هم کسانی را که نویسندگی پولس را می‌پذیرند اما استدلال می‌کنند که نامه‌ای عمومی است، آن هم تنها بر پایهٔ کاربرد دوم شخص جمع در سخن پایانی «فیض با همهٔ شما باد» (6:21). بر پایهٔ سلام آغازین (1:1)، کاربرد پیوستهٔ دوم شخص مفرد، و حالت فاعلی یا ندایی مفرد در خطاب مستقیم به تیموتائوس (1:18؛ 6:11؛ 20)، متن

ویژگی‌های صوری یک نامه شخصی را دارد. سلام پایانی به دوم شخص جمع، چنان‌که نامه‌های شخصی در پاپيروس‌ها گواهی می‌دهند، به نامه‌ای عمومی یا جمعی اشاره ندارد؛ **پایان‌بندی‌هایی که آرزوی برکت و/یا تندرستی برای خانواده‌ها، جماعت‌ها یا گروه‌های دیگر گیرنده دارند، در نامه‌های شخصی رایج‌اند.** اما شخصی شمردن نامه به این معنا نیست که نامه‌ای خصوصی و محرمانه است (یعنی نامه‌ای که صریحاً برای خواننده شدن به دست دیگران نوشته نشده است). در دوران باستان بدیهی بود که نامه‌های شخصی خبرهای مهمی در بر داشته باشند و در حلقه‌های بزرگ‌تری خوانده و دست به دست شوند؛ با این حال، آن‌ها رابطه و دغدغه نویسنده و گیرنده را بازتاب می‌دادند، نه عموم را. گیرنده می‌توانست نامه را تفسیر کند و برای حلقه بزرگ‌تر علاقه‌مندان توضیح دهد. با نظر به نظریه نامه‌نگاری در دوران باستان، تنها بر پایه دستور زبان پیشنهاد می‌کنم که اول تیموتائوس را نامه‌ای غیرساختگی (یعنی نه نوشته کسی دیگر در زمانی بعد) و غیرعمومی (نه «ادبی») بدانیم. اگر نامه‌ای عمومی شمرده شود، بنا بر نظریه نامه‌نگاری ساختگی (نه اصیل) می‌بود، زیرا خود را نامه‌ای شخصی جلوه می‌دهد. تنها در صورتی می‌توانست عمومی باشد که برای مخاطبان گسترده‌تری نوشته شده بود و نه در رابطه پولس و تیموتائوس ریشه داشت و نه از وضعیت افسس یا مشکلات خدمت تیموتائوس شکل گرفته بود. **صرف‌نظر از این، نشانه‌های نویسنده حاکی از آن است که نامه باید به عنوان نامه‌ای شخصی خوانده شود.** نویسندگی پولس زیر سؤال می‌رود، زیرا زبان و سبک نامه‌های شبانی در واژگان، نحو و سبک بلاغی با بقیه مجموعه نامه‌های پولس فرق دارد. اما پژوهش‌های تازه‌تر در زبان‌شناسی پیکره‌ای نشان داده‌اند که سبک نوشتن و موضوعات یک شخص، هنگامی که ژانر تغییر کند یا ویژگی‌های سطح زبانی (Register) دگرگون شود (گیرنده، بافت موقعیت، محتوا)، به‌طور چشمگیری تغییر می‌کند. این تغییرات می‌توانند حتی شدیدتر باشند، وقتی شرایط و سن نویسنده تغییر کند، یا وقتی نامه‌ها را یک منشی/کاتب در نگارش همراهی کرده یا یکسره نوشته باشد، چنان‌که بسیاری بر پایه شواهد درونی نامه‌های پولس درباره آن‌ها ادعا می‌کنند (رومیان 16:22؛ اول قرنتیان 1:1؛ قس. 16:21؛ دوم قرنتیان 1:1؛ غلاطیان 1:1؛ قس. 6:11؛ فیلیپیان 1:1؛ کولسیان 1:1؛ قس. 4:18؛ اول تسالونیکیان 1:1؛ دوم تسالونیکیان 1:1؛ قس. 3:17؛ فلیمون 19). در واقع، نامه افسسیان و نامه‌های شبانی تنها نامه‌های پولس‌اند که به‌صراحت هم‌نویسندگان یا کاتبان را نام نمی‌برند، و در کسانی که در نامه‌های دیگر به عنوان بخشی از فرایند نامه‌نگاری ذکر می‌شوند، تنوع چشمگیری هست. نامه‌ای شخصی که به همکاری صمیمی نوشته شده که با مشکلات مشخص خدمت روبه‌روست، سطح زبانی (Register) کاملاً متفاوتی با نامه‌های بی‌چون‌وچرای مجموعه پولس دارد و می‌تواند دگرگونی زبان را توضیح دهد. اما اگر اول تیموتائوس به عنوان نامه‌ای عمومی دسته‌بندی شود که قرار است مخاطبان بیشتری آن را بخوانند، به سطح زبانی‌ای نسبت داده می‌شود که به بقیه مجموعه پولس نزدیک‌تر است و تفاوت‌های زبان و سبک را کمتر به آسانی توضیح می‌دهد. نامه‌ای عمومی یا ساختگی معمولاً در بافت فرهنگی که در آن نوشته شده، نسبتاً به آسانی خود را توضیح می‌دهد، زیرا نوشته شده تا مخاطبان عام‌تری آن را بفهمند. **نامه‌ای شخصی میان کسانی که رابطه‌ای درازمدت داشتند، مانند پولس و تیموتائوس، از درجه بالاتری از آشنایی و صمیمیت حکایت می‌کند، و ارتباط به اطلاعاتی وابسته خواهد بود که آشنایان نزدیک با یکدیگر در میان می‌گذارند.**

9.1.4 نقش بافت نامه

اگر نامه اول تیموتائوس نامه‌ای جعلی (ساختگی) و/یا عمومی شمرده شود، نقش بافت به‌طور چشمگیری کاهش می‌یابد. یعنی اگر این نامه‌ای شخصی نباشد که پولس به تیموتائوس ساکن افسس نوشته است (در

برابر نامه‌ای که برای پخش همگانی نوشته شده [ادبی]، یا نامه‌ای با نام مستعار [ساختگی]، دلیل کمتری برای جست‌وجوی رویدادها و شرایط مشخصی می‌بود که محتوا را تعیین یا توضیح دهند. اگر فرض شود که نامه را حلقهٔ پیرامون پولس نوشته است، بافت مهم است، اما به امور کلیسایی بعدی مربوط است که احتمالاً امور محلی نیستند، و تحولات الهیاتی بعدی در کلیساشناسی را بازتاب می‌دهد. اگر اول تیموتائوس را نامه‌ای عمومی از پولس بدانیم، می‌توان فرض کرد که بیانی از الهیات تثبیت‌شدهٔ پولس است – شرحی از قواعد رفتار برای کل کلیسا. **در اصل، پرسش این است که آیا این نامه را باید از درون خودش خواند – به عنوان پرداختن به موضوعاتی مشخص که می‌بایست در کلیسای افسس اثرات اجتماعی معینی داشته باشند – یا آیا باید آن را پیش از هر چیز به عنوان الهیات خواند.** اما اگر فرض کنیم که اول تیموتائوس نامه‌ای شخصی و اصیل است (یا به نظر برخی، نامه‌ای شبه‌شخصی که به‌روشنی باید در بافت زندگی پولس و روابط شخصی او خوانده شود)، آنگاه بافت بنا به تعریف نقشی بزرگ در تفسیر درست آن خواهد داشت. نامه در بافت رابطهٔ شخصی طولانی پولس و تیموتائوس قرار می‌گرفت، و جریان اطلاعات این رابطه را بازتاب می‌داد. پولس در سفر بشارتی دوم، هنگامی که در سال 49 از لستره دیدار کرد، با تیموتائوس آشنا شد. تیموتائوس از آن پس عضو گروه بشارتی بود، و شاید چهارده تا شانزده سال با پولس همکاری کرده بود، پیش از آنکه اول تیموتائوس نوشته شود. **به بیان دیگر: تیموتائوس پیش‌تر به‌طور کامل از سوی پولس راهنمایی شده و تعلیم یافته بود، به‌طوری که دستور در اول تیموتائوس آنچه را پولس به او آموخته بود بر وضعیت به کار می‌بست و بر آن بنا می‌کرد. وضعیت همچنین شرایط افسس را در میانهٔ قرن اول بازتاب می‌داد، به‌طوری که چارچوب اجتماعی-تاریخی می‌تواند نقشی اساسی در فهم متن و وضعیت مشخص افسس داشته باشد.** و اما دربارهٔ بافت نزدیک: پولس به مشکلاتی در کلیسای افسس می‌پردازد که در زمان حضور او در آنجا چنان جدی بودند که از تیموتائوس خواست بماند تا آن‌ها را اصلاح کند (1:3). پس اصلاح تعلیم نادرست دستورهای 2:1-15 را تعیین می‌کرد.

9.1.5 بافت یا سناریوی 15-2:1

تصمیم تفسیری جامع بعدی، بافت یا سناریویی است که برای بخش 15-2:9 فرض می‌شود. این شاید مهم‌ترین این تصمیم‌ها باشد. اما اغلب اصلاً دیده نمی‌شود که این تصمیمی است که یکسره بر استنتاج تکیه دارد؛ به سادگی پیش‌فرض گرفته می‌شود و به‌ندرت دلیلی برایش آورده می‌شود. **بیشتر دانشمندان فرض می‌کنند که 15-2:11 به نظم کلیسا در جلسهٔ پرستشی هفتگی یا به رفتار در گردهمایی کلیسا می‌پردازد.** برای نمونه، آی. هاوارد مارشال (I. Howard Marshall) می‌گوید: «موضوع، دعا در گردهمایی کلیساست.» او سپس فصل را در پیوند با موضوع دعا توصیف می‌کند. به گفتهٔ مارشال، نخست بر ضرورت دعا در گسترهٔ جهانی‌اش تأکید می‌شود، سپس الزامات اخلاقی دعا در مورد مردان و آنگاه در مورد زنان ذکر می‌شود، که به گریزی دربارهٔ ضرورت این می‌انجامد که زنان تعلیم ندهند، بلکه در آرامی بیاموزند. **نخستین مشکل این خوانش آن است که در 2:1 یا 2:8 هیچ اشاره‌ای نیست که دعای خواسته‌شده از نظر مکان و زمان به گردهمایی‌های کلیسا محدود باشد.** در واقع، هم در الهیات پولس و هم در بافت‌های رسم دعا در یهودیت و در جهان یونانی-رومی، شواهد چشمگیری بر ضد این فرض وجود دارد. تعلیم پولس در جاهای دیگر بر ضرورت دعای پیوسته و شکرگزاری در همهٔ اوقات تأکید می‌کند (رومیان 1:9؛ افسسیان 1:16؛ 6:18؛ فیلیپیان 1:4؛ 4:6؛ کولسیان 1:9؛ اول تسالونیکیان 5:17-18؛ دوم تسالونیکیان 1:3، 11؛ فلیمون 4)، که به اوقات معینی از گردهمایی‌های کلیسا محدود نیست. پولس در اول تیموتائوس 2:8 صریحاً به مردان دستور می‌دهد که *ἐν παντί τόπῳ* («در هر جا») دعا کنند. این تعیین، مکانی است – برخلاف اسم

ἐκκλησία («گردهمایی، جماعت») که پولس معمولاً برای گردهمایی پرستشی به کار می‌برد، چنان‌که در 3:5، 15؛ 5:16 (برای اشاره‌های نامحدود دیگر به دعا در هر جا یا هر زمان بنگرید به رومیان 1:9-10؛ افسسیان 6:18؛ اول تسالونیکیان 1:3؛ 2:13؛ 5:17؛ دوم تیموتائوس 1:3). افزون بر این، رسوم دعای یهودی، مسیحی و یونانی-رومی به مکان‌های مقدس (معبدها، زیارتگاه‌ها، کنیسه‌ها) یا به جلسات پرستشی محدود نبود. دعا در مکان‌های بسیار گوناگون انجام می‌شد، برای نمونه در کوچه و خیابان، کنار رودخانه، در ساحل، در کشتی، بر بالین بیمار یا در زندان (متی 6:5؛ اعمال رسولان 16:13؛ 20:36؛ 21:5؛ 27:35؛ 28:8؛ یعقوب 14-5:13؛ کولسیان 1:3، 8). دعا می‌توانست در هر زمانی از ماه/هفته/روز و در هر مکانی انجام شود، از جمله در معبدها، کنیسه‌ها و خانه‌ها (اعمال رسولان 2:42-47؛ 3:1). می‌توانست گروهی، در خانواده یا به تنهایی انجام شود. **در اول تیموتائوس 2:1-8 هیچ چیز نیست که بافت را به یک «جلسه پرستشی عمومی» محدود کند - چه رسد به اینکه جلسات پرستشی در فضای خانگی برگزار می‌شد، نه در مکانی عمومی.**

بنابراین روشن نیست که بقیه فصل دستورهایی برای رفتار در گردهمایی‌های پرستشی یا در فضایی عمومی می‌دهد، و محتوای بقیه این بخش نیز به سختی در بافت یک «جلسه پرستشی عمومی» می‌گنجد، به‌ویژه اشاره به زاییدن فرزندان. مشکل دوم، محدود کردن دغدغه پولس درباره پوشاک و کارهای نیکوی زنان (2:9-10) به دعا در گردهمایی پرستشی است. دستورها به زنان آشکارا موازی با دستورها به مردان در نظر گرفته شده‌اند، به سبب تناظر «مردان/زنان» و «قید و سبب» (به همین‌سان) که دستورها برای زنان را به دستورها برای مردان پیوند می‌دهد (آیه 8). اما دغدغه فروتنی، پرهیز از خودنمایی و انجام کارهای نیکو به نظر نمی‌رسد که تنها به دعا در جلسه پرستشی محدود باشد. در 5:6 این موضوع با مشکلی در میان بیوه‌زنان افسس پیوند داده می‌شود: زندگی در تجمل و خوش‌گذرانی به جای زندگی‌ای آرام و بی‌سروصدا در خداترسی و قدوسیت. در واقع این بازتاب دغدغه‌ای عمومی درباره رفتار زنان است که در آن فرهنگ بارها مطرح می‌شد: حتی درباره این موضوعات قوانینی وضع شد. افزون بر این، اگر موضوع در اینجا پوشاک زنان هنگام دعا در جلسه پرستشی بود، چرا پولس رسم عمومی همه «کلیساهای خدا» را تکرار نکرد که زنان هنگام دعا حجاب داشته باشند (اول قرنتیان 11:16)، به جای آنکه بافتن پرتکلف مو را منع کند (اول تیموتائوس 2:9)؟ مشکل سوم: دستور به زنان گاه به عنوان دغدغه دومی فهمیده می‌شود که پولس به آن می‌پردازد، دغدغه‌ای که از عمل دعا جدا می‌شود اما همچنان به جلسه پرستشی عمومی محدود است. اما این دستور را بهتر می‌توان در بافت 2:1-3 فهمید؛ پوشاک و آرایش چشمگیر و نافروتنانه مستقیماً بر ضد اهداف دعا در 2:2 عمل می‌کنند: «زندگی‌ای آرام و بی‌سروصدا با کمال دینداری و قدوسیت». در 2:10 دغدغه پولس این است که زنانی که به خداترسی اعتراف می‌کنند، چنان رفتار کنند که با اهداف دعا هم‌خوان باشد. این در واقع موازی با دستورها به مردان است. خشم و نزاع نیز هدف دعا در 2:2 را زیر پا می‌گذارند: زندگی‌ای آرام و بی‌دغدغه. پس دعا پادزهر پولس می‌بود در برابر اینکه مردان و زنان افسس بر ضد اهدافی کار کنند که خدا را خشنود می‌سازند: زندگی آرام و بی‌سروصدا، قدوسیت و دینداری. **مشکل چهارم در صحنه گردهمایی پرستشی به عنوان پس‌زمینه اول تیموتائوس 2:9-10، تغییر از جمع «مردان» و «زنان» به مفرد «زن» (γυνή) در 2:11 و ممنوع کردن دو کار از سوی پولس است که یک «زن» می‌توانست با یک «مرد» (ἀνδρός) بکند، در 2:12. تغییر به مفرد در این بافت چشمگیر است، زیرا الگویی را می‌شکند، و کاربرد مفرد برای «مرد» با زبانی که گردهمایی کلیسا یا گروهی دیگر را خطاب می‌کند جور در نمی‌آید. پولس می‌توانست از زنی سخن بگوید که به گروهی از مردان تعلیم می‌دهد، یا از زنانی که به گروه‌هایی از مردان تعلیم می‌دهند، اما عادی نیست که از زنی سخن بگوییم که در یک گردهمایی به «یک مرد» درس می‌دهد. بلکه کاربرد مفرد نشانگر تعاملی خصوصی میان یک زن و یک مرد است. در فرهنگ**

یونانی-رومی، تعامل‌های خصوصی میان یک زن و یک مرد بیش از همه میان اعضای خانواده رخ می‌داد، و در این بخش چیزهای بسیاری هست که به بافتی خانگی اشاره دارد. بیشتر مفسران با کاربرد مفرد چنان رفتار می‌کنند که گویی وجود ندارد، اما این انتخاب دستوری روشنی است که معنا دارد، و با دستور زبان بافت و با دستور زبانی که با آن یک جماعت خطاب می‌شود در تضاد است. مشکل پنجم در چارچوب یک جلسهٔ پرستشی به عنوان پس‌زمینهٔ این بخش، اشاره به زایمان (τεκνογονία) و نیز دغدغهٔ ویژه برای نجات (σωθήσεται) یک زن (2:15) است، و ارتباط تردیدآمیز آن با نظم جلسهٔ پرستشی و ممنوعیت‌ها. برای «با این حال او با زاییدن نجات خواهد یافت» (σωθήσεται δὲ διὰ τῆς τεκνογονίας) چند امکان تفسیری (و ترجمه‌های جایگزین) هست، **اما هیچ‌یک از آن‌ها به عنوان نتیجه‌گیری بحثی دربارهٔ رفتار مردان و زنان در جلسهٔ پرستشی معنا ندارد.** از این رو انتخاب یا فرض جلسهٔ پرستشی به عنوان چارچوب 15-2:1 بیشتر به ناسازگاری و نبود پیوستگی می‌افزاید تا آنکه بافتی فراهم کند که ویژگی‌های دشوار متن را توضیح دهد. آغاز متن نشان می‌دهد که موضوع نامهٔ پولس تعلیم نادرست است، اما اگر موضوع در اینجا رفتار در جلسهٔ پرستشی باشد، این گریزی از موضوع است، و او در فصل‌های 4 تا 6 به موضوع تعلیم نادرست بازمی‌گردد. برخی مفسران بی‌جهت و نسجیده 15-2:11 را گریزی دیگر می‌شمارند. هم دستور زبان و هم تفصیل این بخش نشان می‌دهند که این بخش یکی از کانون‌های نامه است، زیرا از دستورها به مردان و زنان مفصل‌تر است. افزون بر این، مستقیماً به برخی از مشکلات تعلیم نادرست و رفتار زنان در کلیسا می‌پردازد که در ادامهٔ نامه به آن‌ها پرداخته می‌شود. پیوند منطقی در 2:1، یعنی παρακαλῶ οὖν πρῶτον («پس پیش از همه سفارش می‌کنم»)، این بخش را به آنچه پیش از آن آمده پیوند می‌دهد، به جای آنکه گسستی و تغییری به دغدغه‌ای دیگر پدید آورد. این نشان می‌دهد که 15-2:1 موضوع نامه را پیش می‌برد، یعنی اصلاح تعلیم نادرست (1:3).

9.1.6 معنای واژه «تسلط داشتن» (αὐθεντέω / authenteo)

یکی از مسئله‌دارترین جنبه‌ها در تفسیر اول تیموتائوس 15-2:11 در مسئلهٔ جنسیت، معنای واژه αὐθεντέω در 2:12 است: «اجازه نمی‌دهم که زنی تعلیم دهد یا بر مردی αὐθεντεῖν». این واژه یک hapax legomenon است (تنها یک بار در عهد جدید آمده است)، و یکی از نخستین کاربردهای شناخته‌شدهٔ این فعل در زبان یونانی است، هرچند پایگاه دادهٔ Thesaurus Linguae Graecae (TLG) بیش از سیصد کاربرد بعدی را ثبت کرده است. در سال 1979 کاترین کروگر (Catherine Kroeger) مقاله‌ای نوشت که ترجمهٔ αὐθεντέω را به «اقتدار داشتن» زیر سؤال برد و بحثی دربارهٔ این فعل به راه انداخت که تا امروز ادامه دارد. در این پرسش که این فعل چه معنایی دارد و چگونه باید ترجمه یا فهمیده شود، چند پرسش کلیدی مطرح است: رابطهٔ این فعل با اعمال اقتدار چیست؟ آیا این فعل تحقیرآمیز، خنثی یا مثبت است؟ رابطهٔ این فعل با واژه‌های هم‌ریشه‌اش چیست؟ پاسخ‌ها به این پرسش‌ها (با چند استثنا) به دو اردوگاه تقسیم می‌شوند. یک گروه αὐθεντέω را با معنایی مثبت یا خنثی به «اعمال اقتدار کردن» یا «اقتدار داشتن بر» ترجمه می‌کند؛ گروه دیگر آن را با معنایی منفی یا تحقیرآمیز ترجمه می‌کند، مانند «سوءاستفاده کردن»، «سلطه یافتن»، «کنترل کردن» یا «اعمال زور کردن».

بسیاری از کسانی که بیرون از این بحث‌اند فرض می‌کنند که αὐθεντέω اصطلاحی فنی برای «کشیش بودن» است، زیرا این توجیه اصلی برای کنار گذاشتن زنان از مقام کشیشی و از دیگر وظایف رهبری در برابر مردان است. اما از میان بیش از سیصد کاربرد این فعل در پایگاه دادهٔ TLG، هیچ‌کس موردی را نیافته است که در آن به هر نوعی از مراقبت شبانی خیرخواهانه از یک فرد یا یک گروه از سوی یک کشیش یا یک

خادم کلیسا اشاره داشته باشد. در میان هشتاد و دو کاربرد این فعل که اچ. اسکات بالدوین (H. Scott Baldwin) برای پشتیبانی از این دیدگاه به کار برده که این واژه به معنای «اقتدار داشتن» است، هیچ نمونه‌ای نیست که مردی این کار را نسبت به شخصی دیگر یا گروهی از مردم در بافت خدمت یا رهبری کلیسا انجام دهد و آن عمل ارزیابی مثبتی داشته باشد. هنگامی که این فعل مفعولی شخصی یا دریافت‌کننده‌ای برای عمل دارد، در نوع عملی که بر دریافت‌کنندگان واقع می‌شود الگویی قابل تشخیص هست (اگر دریافت‌کننده یا هدف در بافت مشخص شده باشد). در واژگان یونانی، فعل $\alpha\upsilon\theta\epsilon\nu\tau\acute{\epsilon}\omega$ به رشته‌ای از اعمال اشاره دارد که به قتل یا خشونت محدود نیستند. **اما کسانی که هدف این اعمال اند آسیب می‌بینند، برخلاف خواستشان وادار می‌شوند، یا دست‌کم نفع شخصی‌شان نادیده گرفته می‌شود، زیرا این اعمال تحمیل خواست فاعل بر ضد خواست دریافت‌کننده را در بر دارند، که از بی‌حرمت کردن تا خشونت مرگبار را شامل می‌شود.** نمونه جالبی از کاربرد $\alpha\upsilon\theta\epsilon\nu\tau\acute{\epsilon}\omega$ (که در اینجا «زور به کار بردن» ترجمه شده) در شکایت باسیانوس (Bassianos) در شورای کالسدون (451 میلادی) یافت می‌شود، که در آن ادعا می‌کند با روندی نامشروع اسقف شده است:

مرا به زور اسقف کردند! قوانین کلیسا در اینجا به روشنی تعیین‌کننده‌اند. پدران می‌گفتند: «اگر روندی برتر وجود دارد، این است که برای این مقام انتخاباتی برگزار شود و کناره‌گیری نشود.» ... از شما با اصرار می‌خواهم به من گوش دهید! وقتی این کار بی‌پروا انجام شد، به زور به اتاقم ریختند و مرا گرفتند. و آنگاه ما در پی مقام کهنات بودیم. اما آنان زور به کار بردند.

وادار کردن کسی برخلاف خواستش به شیوه‌ای ویرانگر، حق حاکمیت الهی در داوری عادلانه است (سوم و عموره و ناعادلان)، و باور داشتند که برای مقامات مطلق و کارگزاران حکومتی که مجری بودند (برای نمونه یک جلاد) شایسته است؛ اما اگر بدون اختیار قانونی انجام شود، تقریباً همیشه نابجاست. **افزون بر این، منع زنان از چنین رفتاری به معنای تأیید چنین رفتاری از سوی مردان نیست، چنان‌که اغلب فرض می‌شود.** در واقع نزدیک‌ترین متن موازی با اول تیموتائوس 2:12 در موعظه‌های یوحنا زین‌دهان (Chrysostomus) درباره نامه کولسیان یافت می‌شود، جایی که او به شوهران فرمان می‌دهد که بر همسرانشان $\alpha\upsilon\theta\epsilon\nu\tau\epsilon\acute{\iota}\nu$ نکنند. یوحنا زین‌دهان می‌گوید که نقش مرد محبت کردن است و نقش زن اطاعت کردن. سپس می‌گوید: «پس از آنجا که همسرت تسلیم توست، $\alpha\upsilon\theta\epsilon\nu\tau\epsilon\acute{\iota}\nu$ مکن» ($\mu\grave{\eta}\ \tau\omicron\iota\acute{\iota}\nu\upsilon\nu,\ \acute{\epsilon}\pi\epsilon\iota\delta\eta\ \upsilon\pi\omicron\tau\acute{\epsilon}\tau\alpha\kappa\tau\alpha\iota\ \eta\grave{\iota}$) (یوحنا زین‌دهان در این بخش شوهر آرمانی را با یک $\alpha\rho\chi\omega\nu$ («رهبر/فرمانروا») محبت‌آمیز مقایسه می‌کند، و عملی که در اینجا مد نظر است نمی‌تواند اعمال محبت‌آمیز فرمانروایی حقوقی/فرهنگی شوهر در خانه باشد، بلکه از اقتدار محبت‌آمیز خانگی فراتر می‌رود؛ امروز احتمالاً اصطلاح «خشونت خانگی» را به کار می‌بردیم، که با این حال کاملاً در چارچوب حقوق $paterfamilias$ رومی در این فرهنگ پدرسالار قرار می‌گرفت. توجه کنید که یوحنا زین‌دهان $\alpha\rho\chi\omega\nu$ را برای توصیف نقش شوهر به کار می‌برد، اما پولس هرگز چنین نمی‌کند. **بلکه پولس واژه $\alpha\upsilon\theta\epsilon\nu\tau\acute{\epsilon}\omega$ را به کار می‌برد تا رفتار همسران را نسبت به شوهرانشان در موردی از جابه‌جایی نقش‌ها نقد کند، که در آن زن اقتداری همانند اقتدار یک $paterfamilias$ به خود می‌گیرد و به شیوه‌ای آزارگرانه یا کنترل‌گرانه رفتار می‌کند. وادار کردن مردم برخلاف خواستشان یا نادیده گرفتن نفع شخصی‌شان، با چند الگوی یونانی-رومی و کتاب مقدسی از اعمال اقتدار هم‌خوان است. با الگوهای بت‌پرستانه اقتدار (به‌ویژه قیصر) هم‌خوان است که عیسی در متی 20:25 توصیف می‌کند: «فرمانروایان [$\alpha\rho\chi\omega\nu\tau\epsilon\varsigma$] قوم‌ها بر آنان سروری می‌کنند و بزرگان‌شان بر آنان ستم می‌رانند.** چنین اعمال اقتدار مطلق با حق مرگ و زندگی که $paterfamilias$ رومی بر همسر و فرزندانش

داشت، و نیز با حقوق شوهر در فرهنگ هلنیستی، هماهنگ است. همچنین با اقتدار کتاب مقدسی حاکمیت الهی، خداوندی مسیح و نقش او به عنوان داور همخوان است. این فعل برای اقتدار پاپ در دوران فرمانروایی پاپ گریگوری نیز به کار رفت. اما با هیچ حق کتاب مقدسی شوهر سازگار نیست، و نیز با اقتداری که رهبران مسیحی بنا بر الهیات پولس بر اعضای کلیسا اعمال می‌کنند. این با الگوی رهبری پولس، درست مانند الگوی رهبری عیسی، در تضاد است. **اینکه این فعل را صرفاً «اقتدار داشتن» بفهمیم و سپس چنان تفسیرش کنیم که گویی رهبری خدمتگزارانه یا مراقبت شبانی را توصیف می‌کند، به شدت گمراه‌کننده است.**

از آنجا که این فعل و اول تیموتائوس 2:12 منابع اصلی‌ای هستند که برای کنار گذاشتن زنان از شکل‌های گوناگون رهبری در کلیسا به کار می‌روند، فهم این ممنوعیت به‌طور تعیین‌کننده‌ای وابسته به این است که چه معنایی برای $\alpha\upsilon\theta\epsilon\nu\tau\acute{\epsilon}\omega$ برگزینیم. وظیفه کلیسا باید این باشد که فهمی از این واژه بر پایه‌ی واژه‌نگاری استوار و روش‌شناسی زبان‌شناختی فراهم آورد تا بتواند در این بحث با احتیاط پیش برود. امروز انبوهی از شواهد در دست است که فرهنگ‌های واژگان قرن نوزدهم، که در روشن کردن مفاهیم به آن‌ها تکیه می‌کردیم، در اختیار نداشتند؛ امروز پایگاه‌های داده، موتورهای جست‌وجو و نظریه‌های زبان‌شناختی در دسترس‌اند که با آن‌ها پیش‌تر می‌رویم. کلیسا به سن مسئولیت رسیده است؛ زمان آن است که مسئولیت (یا تقصیر) کنار گذاشتن زنان از جایگاه‌های رهبری کلیسا به سبب واژه $\alpha\upsilon\theta\epsilon\nu\tau\acute{\epsilon}\omega$ را بپذیرد.

9.1.7 معنای خلاصه‌ی روایی¹ پیدایش 3-2

یک تصمیم تفسیری تعیین‌کننده به این پرسش مربوط است که خلاصه‌ی روایی پیدایش 3-2 در اول تیموتائوس 14-2:13 را چگونه باید فهمید، خلاصه‌ای که حکم به زن برای آموختن (2:11) و منع تعلیم دادن (2:12) را توجیه می‌کند. اینکه در اینجا دلیلی در پی می‌آید، حرف ربط $\gamma\acute{\alpha}\rho$ («زیرا») در آیه 13 نشان می‌دهد؛ اما رابطه‌ی منطقی میان این ممنوعیت و روایت عهد عتیق را باید استنباط کرد. بحث درباره‌ی اینکه عهد جدید چگونه عهد عتیق را به کار می‌برد، اخیراً رونق یافته است و باید به فهم ما از امکان‌هایی کمک کند که یک بن‌مایه، یک اشاره یا یک نقل‌قول در مجموعه‌ی نوشته‌های پولس یا به طور کلی در عهد جدید چگونه می‌تواند عمل کند. **اجماعی رو به رشد وجود دارد که نویسندگان عهد جدید عهد عتیق را به شیوه‌هایی گوناگون و گاه خلاقانه به کار می‌برند، بی‌آنکه لزوماً متن را در بافت خودش تفسیر کنند یا قصد اصلی نویسندگانش را نگه دارند. اما چون در اینجا با خلاصه‌ای روایی سروکار داریم، با اطمینان می‌توانیم فرض کنیم که برای تفسیر خلاصه‌ی فشرده و معماگونه‌ی او باید از روایت پیدایش کمک گرفت.**

برخی متقاعدند که «منع زنان از تعلیم دادن و اعمال اقتدار بر مردان» در اول تیموتائوس 2:12 تنها به سبب این روایت برای کلیسا هنجاری است. برای نمونه، توماس شراینر (Thomas Schreiner) ادعا می‌کند: «استناد به اول تیموتائوس 2:13 نشان می‌دهد که پولس ممنوعیت خود را در یک هنجار متعالی جای می‌دهد.» اما توصیف پولس از آفرینش هنجاری متعالی نیست، بلکه خلاصه‌ای کوتاه‌شده از روایت است: «نخست آدم شکل یافت، سپس حوا.» نتیجه‌گیری شراینر که این روایت «تقدم آدم» را نشان می‌دهد، شاید از نظر برخی هنجار شمرده شده باشد، اما در موارد دیگر توالی زمانی، زودتر بودن برای پولس هنجار نبود، و او این نتیجه را از گزارش پیدایش نگرفت. نتیجه‌گیری به عهده‌ی خواننده گذاشته می‌شود (چنان‌که در تفسیر روایت‌ها معمول است)، و احتمالاً گیرنده‌ی نامه می‌دانست که این روایت با مشکل موجود چه ارتباطی دارد. افزون بر این، این فرض که پولس به **هنجارهای متعالی** (نظم‌هایی که فرازمانی معتبرند) تنها برای توجیه

کاربردهای هنجاری استناد می‌کند، به سادگی با شیوه‌ای که او عهد عتیق و منابع دیگر را به کار می‌برد جور در نمی‌آید. پولس از جزئی به کلی تعمیم می‌دهد، و کلی را بر مورد جزئی به کار می‌بندد. او یک مورد جزئی را تعمیم داد، وقتی حکم تثبیه 25:4، یعنی دهان گاوی را که خرمن می‌کوبد مبنی، بر مزد مشایخ به کار برد (اول تیموتائوس 5:18؛ قس. اول قرنتیان 9:7-9). از سوی دیگر، او «هنجارهای متعالی» را از روایت آفرینش به کار برد تا از این رسم فرهنگی پشتیبانی کند که زنان هنگام نبوت و دعا در کلیسا حجاب داشته باشند (اول قرنتیان 11:3-16). او برخی از اعضای کلیسای قرنتس را تشویق کرد که درباره یک پرونده حقوقی کم‌اهمیت داوری کنند، زیرا در آینده «قوم خداوند جهان را داوری خواهند کرد» (اول قرنتیان 6:1-3). عجیب است که ادعا کنیم پولس یا هر کس دیگری نمی‌توانست کاربردهای موردی یا ویژه یک فرهنگ را با محتوایی از روایت آفرینش یا از دیگر بخش‌های عهد عتیق پشتیبانی کند، و این با شیوه امروزی ما در هرمنوتیک و موعظه‌نگاری در تضاد است، که با آن عادتاً در پی کاربردهای مرتبط و به‌روز از اصول بی‌زمان کتاب مقدس هستیم.

خلاصه‌ای که پولس از بخش‌هایی از روایت آفرینش می‌آورد تا از این حکم پشتیبانی کند که «یک زن» باید بیاموزد، و نیز از این حکم که یک زن در برابر یک مرد چگونه رفتار کند، لازم نیست به‌عنوان منعی هنجاری برای زنان فهمیده شود که در جلسه کلیسا تعلیم ندهند یا رهبری نکنند (اول تیموتائوس 14:2-11). بلکه ممکن است پولس مستقیماً به مشکلات تعلیم نادرست در میان زنان افسس می‌پردازد. او ممکن است اسطوره‌ای زیان‌بار و رایج در میان مردم را اصلاح کند، به این صورت که روایت درست را در برابر آن می‌گذارد؛ ممکن است این کار شامل گونه‌شناسی (تیپولوژی) باشد؛ و/یا ممکن است تعلیمی اصلاحی یا توضیحی برای زنان و شوهران باشد. اگر متن را آن‌گونه بخوانیم که خود را معرفی می‌کند، چند نکته نشان می‌دهد که خلاصه آفرینش برای اصلاح مشکلاتی به کار می‌رود که تیموتائوس با آن‌ها روبه‌رو بود. نخست، زمینه تعلیم نادرستی در کار است که به اسطوره‌هایی مربوط بود که زنان سالخورده نقل می‌کردند (4:7؛ ر.ک. 1:4). شاید پولس در اینجا به‌اختصار محتوای یک اسطوره رایج را اصلاح می‌کند. دوم، در افسس مشکلات مشخص دیگری هم با زنان وجود داشت که می‌بایست اصلاح می‌شد. از جمله آن‌ها رفتار نادرست در پوشش و شیوه زندگی (2:9-10؛ 5:6، 15)، پراکندن غیبت و بدگویی و نیز داستان‌ها یا اسطوره‌ها در میان زنان دیگر (4:7؛ 5:13)، و پذیرفتن تعالیم نادرست، از جمله تعالیم نادرست درباره رابطه جنسی، ازدواج و فرزندان (3:4؛ ر.ک. 5:14؛ دوم تیموتائوس 3:6-7) است. سوم، این منع‌ها مانند اطلاعاتی تازه خوانده می‌شوند که با تأکید بیان شده‌اند، و هیچ حکم یا منعی را از نامه‌های پیشین تکرار نمی‌کنند. بنا بر بیشتر بازسازی‌های منسجمی که نامه اول تیموتائوس را در زندگی پولس جای می‌دهند و بر اطلاعات خود متن تکیه دارند، تیموتائوس بیش از یک دهه نزدیک‌ترین همراه پولس و معلمی مورد اعتماد برای شیوه‌ها و سنت‌های پولس بوده است. چه این نامه ساختگی باشد، چه عمومی و چه شخصی، قرار گرفتن این منع‌ها در این نامه برای هر کسی که مدعی است هدف این بخش بازتاب دادن شیوه‌های پولس در همه کلیساهای میان غیریهودیان است، معمای است. چهارم: از آنجا که متن نشان می‌دهد که نامه‌ای شخصی است، این نامحتمل‌ترین زمینه برای بیان گفته‌هایی فراتر از زمان و مکان است که کاربرد عمومی تعالیم پولس درباره عطایای روحانی و رهبری را در بقیه مجموعه نوشته‌های پولس بی‌اعتبار کنند. سندی مانند نامه پولس به رومیان جای منطقی‌تری می‌بود تا منعی روشن برای زنان به‌عنوان معلم و در خدمت رهبری اعلام شود. نامه رومیان سندی قدیمی‌تر بود و به کلیسایی نوشته شد که پولس آن را بنیان نهاده و هنوز از آن دیدن نکرده بود؛ او در آن، در رومیان 3:12-8، بر تعلیم و خدمت تمرکز می‌کند. یک زن رومی رومیان 7:12-8 را مأموریتی برای تعلیم دادن یا رهبری کردن می‌فهمید، اگر باور داشت که عطای آن را دارد، و بنا بر رومیان

16، زنان در کلیسای روم با کارشان برجسته بودند. اگر دستوره‌های اول تیموتائوس 12:2-11 شیوه‌ای اساسی در کلیساهای پولس بود، رومیان 12 جای مناسبی می‌بود تا چنین شرایطی که به جنسیت وابسته‌اند اعلام شوند. خلاصه اینکه دلیل قانع‌کننده‌ای وجود ندارد که فرض کنیم پولس نمی‌توانست بازگویی روایت آفرینش را برای اصلاح کردن یا تعلیم دادن دربارهٔ مشکلاتی جداگانه در کلیسا به کار ببرد؛ او روایت آفرینش را برای تعلیم دادن یک رسم فرهنگی نیز به کار می‌برد (اول قرنتیان 11:3-16)، و هنجارهای فراتر از زمان و مکان دیگری را نیز به‌طور هدفمند به کار می‌گیرد.

9.1.8 خلاصه

تصمیم‌های تفسیری دربارهٔ ماهیت نامهٔ اول تیموتائوس و نویسندگی پولس مستقیماً در تفسیر اول تیموتائوس 15:2-11 نقش دارند. ما وقتی پیش‌تر می‌رویم که به متن اعتماد کنیم و آن را آن‌گونه بخوانیم که خود را معرفی می‌کند. متن نشان می‌دهد که نامه‌ای شخصی است که پولس به تیموتائوس نوشته است. نامه در کلیت خود و بخش‌هایش باید به شیوه‌ای فهمیده، تحلیل و تفسیر شود که با ادعاهای متن، شباهت‌ها در پاپیروس‌ها، نظریهٔ نامه‌نگاری و نظریهٔ زبان‌شناختی هماهنگ باشد – که همگی به ما می‌گویند زبان در نامه‌ای شخصی میان دو نفر که یکدیگر را خوب می‌شناسند چگونه عمل می‌کند. باید انتظار داشته باشیم که نامه بسیار وابسته به موقعیت باشد و زمینه در آن نقش مهمی ایفا کند. هرچند ما در موقعیت ضعیف‌تری هستیم، چون همهٔ آنچه را پولس و تیموتائوس با هم می‌دانستند نمی‌دانیم، اما می‌توانیم از مطالعهٔ دقیق متن چیزهای بسیاری دربارهٔ زمینه و اطلاعات دیگر بیاموزیم. **باید آماده باشیم فرض‌ها، تفسیرها یا سناریوهایی را که مستقیماً از متن یا از شیوه/الهیات پولس به دست نیامده‌اند کنار بگذاریم، به‌ویژه اگر به انسجام یا پیوستگی کمکی نکنند. در مورد اول تیموتائوس 15:2-1 باید این فرض رایج را کنار بگذاریم که شیوهٔ دعا به یک جلسهٔ پرستشی یا گردهمایی اشاره دارد، و سپس اول تیموتائوس 15:2-1 را در پرتو هدف اعلام‌شدهٔ نامه بخوانیم.** تصمیم‌های تعیین‌کنندهٔ دیگر، معنای مورد مناقشهٔ αὐθεντέω است و اینکه اشاره‌ها به آفرینش و سقوط چگونه از حکم آموختن برای یک زن و از منع دربارهٔ رفتار یک زن در برابر «یک مرد» در اول تیموتائوس 12:2-11 پشتیبانی می‌کنند. تصمیمی که مفسران کمتر به آن فکر می‌کنند، رابطهٔ منطقی عبارت «به‌وسیلهٔ زاییدن فرزند نجات یافتن» در اول تیموتائوس 2:15 با زمینه است، اما این هم باید با آن تصمیم‌های دیگر پیوند داده شود تا به خوانشی منسجم از این بخش در زمینه‌اش برسیم.

صرف‌نظر از دیدگاه‌ها دربارهٔ نویسندگی، بیشتر مفسران متن را در کلیت آن و به‌ویژه اول تیموتائوس 9:2-15 را چنان تفسیر می‌کنند که گویی ساختگی است، و اهمیت اطلاعاتی را که زمینه و هدف را به دست می‌دهند نادیده می‌گیرند. اما اگر علاقهٔ ما به این نامه بیشتر به معنای پیام آن باشد تا به بازسازی تاریخ محتمل یا پشتیبانی و تقویت الهیات خودمان، آنگاه باید متن را آن‌گونه خواند که خود را معرفی می‌کند، تا دریابیم هنگام نگارش قرار بود چه اثری یا چه نتیجه‌ای پدید آورد.

9.2 هدف نامه

اگر نامهٔ اول تیموتائوس را نامه‌ای واقعی بدانیم، هدف آن را در آغاز متن نامه جست‌وجو خواهیم کرد. به گفتهٔ جان وایت (John White) «آغاز متن نامه جایی است که معمولاً انگیزه‌های اصلی نامه بیان می‌شوند. [...] آغاز نامه شالوده‌ای را می‌نهد که محتوای بعدی می‌تواند بر آن بنا شود.»

9.2.1 هدف اعلام‌شده نامۀ (20-1:3)

آغاز نامۀ در 20-1:3 است، جایی که مأموریت پیشین پولس به تیموتائوس – اینکه به برخی افراد حکم کند تعالیم نادرست (بیگانه) را نپراکنند – در 4-1:3 تکرار می‌شود و در ادامۀ فصل گسترش می‌یابد: «همان‌گونه که هنگام رفتنم به مقدونیه از تو خواستم در افسس بمانی، تا به بعضی حکم کنی که تعلیمی دیگر ندهند و به افسانه‌ها و نسب‌نامه‌های بی‌پایان دل نبندند، که بیشتر مباحثه پدید می‌آورند تا تدبیر خدا را که در ایمان است پیش ببرند.» این دستورها در 1:18 تأیید می‌شوند، جایی که تیموتائوس بر پایۀ همین دستورها مأمور می‌شود که «جنگ نیکو را بجنگد».

9.2.2 ماهیت تعلیم نادرست در افسس

اگر این نامۀ عمومی بود، نویسنده احتمالاً توصیفی دقیق از تعلیم نادرست و معلمانش را در آغاز نامۀ می‌گذاشت. اما نویسنده تنها هشدار می‌دهد و به حقیقتی متوسل می‌شود که از پیش شناخته‌شده و

داده‌شده است. خوشبختانه نشانه‌هایی درباره‌ی ماهیت تعلیم نادرست در افسس وجود دارد که در فصل‌های 4 تا 6 آمده‌اند، و می‌توان آن‌ها را گرد آورد و مرتب کرد، هرچند پولس بیشتر بر پیامدهای این تعلیم تمرکز می‌کند تا بر محتوای آن‌ها. اگر توصیف ماهیت تعلیم نادرست در مقدمۀ نامۀ می‌آمد، پیوند منطقی میان هدف نامۀ و روند بعدی آن روشن‌تر می‌شد. اما اگر این نامۀ شخصی است، پولس لازم نبود جزئیاتی را که در نامۀ یا کلیسا یا نامۀ عمومی ضروری می‌بود به تیموتائوس بگوید، زیرا او محتوای تعلیم نادرست، هویت معلمان نادرست و مشکلاتی را که این معلمان و محتوای تعلیم در حال گسترش پدید آورده بودند، از پیش می‌دانست.

هرچند برخی ممکن است تعلیم نادرست را در **یک** بدعت خلاصه کنند، به نظر می‌رسد دست‌کم دو شکل یا گونه‌ی متفاوت از بدعت قابل تشخیص است. **برخی مشکلات را می‌توان ویژه‌ی مردان دانست و برخی دیگر را ویژه‌ی زنان.**

9.2.2.1 تعلیم نادرست در میان مردان

به نظر می‌رسد تعلیم و رفتارهای نادرست در میان مردان با مخالفت با پولس و با خشم، نزاع و سوءاستفاده از کلیسا برای پول مشخص می‌شد، چنان‌که در اول تیموتائوس 3:6-5 آمده است:

«اگر کسی تعلیمی دیگر بدهد و با سخنان درست خداوند ما عیسی مسیح و با تعلیمی که مطابق دینداری است موافق نباشد، مغرور شده و هیچ نمی‌داند، بلکه به مباحثه‌ها و جدال‌های لفظی بیمار است، که از آن‌ها حسد و نزاع و کفرگویی و بدگمانی‌ها پدید می‌آید، و نیز ستیزه‌های پیوسته‌ی مردمانی که ذهنشان فاسد شده و از حقیقت محروم مانده‌اند و گمان می‌کنند دینداری وسیله‌ی سود است.»

دستورها به مردان درباره‌ی دعا در میان دستورهایی کلی دعا در 1:2-7 جای گرفته‌اند. دغدغۀ دعا این است که از مأموریت پولس به سوی غیریهودیان پشتیبانی کند. مارشال (Marshall) یادآور می‌شود که تأکید بر ارادۀ خدا برای نجات همه «تقریباً جنبه‌ای جدلی دارد – [این] نشان می‌دهد که با این اندیشه مخالفتی وجود داشت.» مخالفت با مأموریت پولس به احتمال زیاد با تعلیم یهودی درباره‌ی شریعت مربوط است که پولس در 1:7-11 به اختصار آن را اصلاح می‌کند. سپس در 2:8 به مردان صریحاً دستور داده می‌شود که «دست‌های مقدس را در دعا برافرازند، بدون خشم و مجادله.» پس ویژگی‌های اصلی کسانی که بنا بر 3:6-5 تعلیمی دیگر می‌دهند، در پیوند نزدیک با دستورها به مردان ظاهر می‌شوند – به‌جز وسواس

ثروت‌اندوزی. اما همین ویژگی‌ها - خشونت، ستیزه‌جویی و پول‌دوستی - در شرایط ناظران در 3:3 مردود شمرده می‌شوند، و طمع پول در شرایط شماسان مرد (3:8) نیز مطرح می‌شود.

9.2.2.2 تعالیم نادرست در میان زنان

تعالیم نادرست در میان زنان شامل برخی رفتارهای مسئله‌دار است که از فریب خوردن از معلمان نادرست ناشی می‌شود، و نیز شامل پراکندن اسطوره‌ها، شجره‌نامه‌ها/نسب‌نامه‌ها (γενεαλογίαι) و سخنان ویرانگری که خانه به خانه دست‌به‌دست می‌شدند. هشدارهای پولس درباره تعالیم نادرست در روزهای آخر در 4:1-5 را باید مرتبط با مشکلات افسس دانست، زیرا به تیموتائوس دستور داده می‌شود که مردم را در این مسائل تأدیب کند، و زیرا این هشدارها مستقیماً با مشکلات زنان، به‌ویژه بیوه‌زنان، پیوند دارند:

[اول تیموتائوس 5:1-4] اما روح صریحاً می‌گوید که در زمان‌های آینده بعضی از ایمان برگشته، به ارواح فریبنده و تعالیم دیوها دل خواهند داد، به‌وسیله ریاکاری دروغ‌گویی که وجدانشان چنان‌که با آهن داغ سخت شده است، که از ازدواج منع می‌کنند و حکم می‌کنند که از خوراک‌هایی پرهیز شود که خدا آفرید تا ایمانداران و آنان که حقیقت را شناخته‌اند با شکرگزاری بپذیرند. زیرا هر آفریده خدا نیکوست و هیچ چیز ردکردنی نیست، اگر با شکرگزاری پذیرفته شود؛ زیرا به‌وسیله کلام خدا و دعا تقدیس می‌شود.

عناصر کلیدی تعالیم نادرست که بارها در زمینه افسس ظاهر می‌شوند، عبارت‌اند از: فریب عمدی زنان، اشاره به فعالیت دیوها در این فریب، و منع ازدواج، که ممکن است ترویج مجرد در میان زنان شوهردار را نیز در بر داشته است. در دوم تیموتائوس 3:6-7، در نقدی بر معلمان کذب که چنان شبیه است که می‌توانیم فرض کنیم به همان مشکلات می‌پردازد، پولس بر این واقعیت تمرکز می‌کند که آنان زنان خانه‌ها را هدف گرفته و فریب می‌دهند: «زیرا از اینان هستند کسانی که به خانه‌ها می‌خزند و زنان ضعیف‌النفس را اسیر می‌کنند، زنانی که زیر بار گناهان‌اند و از هوس‌های گوناگون رانده می‌شوند، که همیشه می‌آموزند و هرگز به شناخت حقیقت نمی‌توانند رسید.» افزون بر این، پولس در توصیف بیوه‌زنان جوان‌تر در اول تیموتائوس 5:13-15 برخی از آنان را نقد می‌کند، زیرا «پیش از این برگشته‌اند تا از شیطان پیروی کنند».

تعالیم مجرد ممکن است بر دیدگاه آنان درباره نهاد ازدواج و درباره ارزش و خطر فرزندآوری اثر گذاشته باشد. ممکن است با قصد برخی بیوه‌زنان برای ازدواج نکردن دوباره مربوط باشد. تعالیم معلمان کذب ممکن است برای زنانی جذاب بوده باشد که، از پیش هراسان از خطرهای عظیم زایمان، می‌کوشیدند پیامدهای سقوط را با پرهیز از رابطه جنسی و در نتیجه با سر باز زدن از فرزندآوری برگردانند. این کار می‌توانست با رد کردن ازدواج یا با مجرد ماندن در درون ازدواج انجام شود.

ترویج مجرد ممکن است به‌خوبی «گرایش‌های رهایی‌خواهانه» را تقویت کرده باشد که می‌توانستند در پوشش و شیوه زندگی بروز کنند. برخلاف مشکلات دیگر، مسئله پوشش نامحجوب از همان 2:9-10 مطرح می‌شود. پولس پوشش محجوب و شایسته مطلوب برای زنان را در برابر سبک نامحجوبی قرار می‌دهد که باید از آن پرهیز شود و شامل گیسوان بافته‌شده پرزرق‌وبرق، طلا، مروارید و لباس‌های گران‌بها بود. پولس در 5:6 به مشکلی در میان بیوه‌زنان افسس اشاره می‌کند که می‌توان آن را همین نوع رفتار نامحجوب دانست: «اما بیوه‌زنی که می‌کوشد زندگی‌ای در تجمّل [σπαταλῶσα ὥσα] داشته باشد، در حالی که زنده است، مرده است.» چنان‌که فیلیپ تاونر (Philip Towner) می‌گوید، این «به‌روشنی زنانی را به یاد می‌آورد که در 2:9 توصیف شده‌اند». او جمع‌بندی می‌کند: «بنابراین کل این پارائز (سخن اندرزی) در آیات 9-10 چالشی است برای گروهی از زنان شوهردار ثروتمند مسیحی، که روند نوظهور زن نوین رومی، با

تأکیدش بر خودنمایی ظاهری و رد هنجارهای فرهنگی حجب و حیا، برایشان جاذبه‌ای نیرومند شده بود. این نوع رفتار نامحجوب زنان در فرهنگ یونانی-رومی بسیار نگران‌کننده بود، و منع پوشش نامحجوب یا جلب توجه‌کننده گاه با قانون مقرر می‌شد. نقدهای مشابهی را که ارزش‌های یونانی-رومی را بازتاب می‌دهند در اول پطرس 1:3-7 می‌بینیم؛ بنابراین نگرانی درباره پوشش نامحجوب مشکلی را بازتاب می‌دهد که به موضوع دعا ربطی ندارد. این واقعیت که بیوه‌زنان در افسس احتمالاً می‌توانستند به چنین نمایشی از تجمل روی آورند، ممکن است نشانه استقلال، ثروت و اختیار (نه تنها بر خودشان، بلکه بر فرزندان احتمالی) باشد که نمی‌خواستند از آن چشم‌پوشش. **هرچند زنان به سبب تعلیم عمومی سوءاستفاده‌گرانه جدا شده و نشانه گرفته نمی‌شوند، اما مستقیم و غیرمستقیم به این سبب نقد می‌شوند که روایت‌های تأثیرگذار (اسطوره‌ها و نسب‌نامه‌ها) را تکرار می‌کنند و غیبت و تهمت را خانه به خانه می‌پراکنند.** این الگوی اجتماعی و بسیار واقعی در میان زنان را در فرهنگی بازتاب می‌دهد که تا حد زیادی بر پایه جنسیت جدا بود، فرهنگی که در آن زنان با زنان ارتباط برقرار می‌کنند، می‌آموزند و معاشرت دارند. شبکه زنان راه اصلی‌ای بود که از آن خبرها پخش می‌شد و ارتباط در جامعه برقرار می‌گشت. پراکندن اسطوره‌ها و نسب‌نامه‌ها در میان مشکلاتی که تیموتائوس باید حل کند «جایگاه افتخار» می‌یابد: در آغاز نامه در 1:4 هم‌تراز با تعلیم نادرست قرار داده می‌شود. ظاهراً پولس می‌ترسد که تیموتائوس نیز تحت تأثیر این داستان‌ها قرار گیرد، زیرا در 4:7 از او می‌خواهد «از اسطوره‌های بی‌دینانه‌ای که زنان سالخورده [γραιώδεις] نقل می‌کنند دوری کند». از نظر تاریخی، زنان سالخورده اغلب راویان فرهنگ‌اند و فرهنگ را از نسلی به نسل دیگر از راه اسطوره‌ها، قصه‌ها و سنت‌هایی منتقل می‌کنند که کنار اجاق و هنگام خواب تکرار می‌شوند. کارولین اوسیک (Carolyn Osiek) و مارگارت مک‌دونالد (Margaret MacDonald) می‌گویند: «گمان رفته است که چون بخش بزرگی از آموزش در فرهنگ‌های شفاهی از راه قصه‌گویی انجام می‌شود، داستان‌های تعلیمی‌ای که در این محافل نقل می‌شد سرانجام به صورت انجیل‌ها و اعمال رسولان آپوکریفایی وارد سنت عمومی شدند.» برخی دانشمندان، مانند ریچارد و کترین کروگر (Richard and Catherine Kroeger)، به‌طور قانع‌کننده‌ای استدلال کرده‌اند که این داستان‌ها به اسطوره‌هایی مشخصاً یهودی مربوط‌اند (ر.ک. 11:7-1:7) که داستان آفرینش و سقوط را بازگو و تحریف می‌کنند. با توجه به اینکه سندی گنوسی از نجع حمادی (Nag Hammadi) وجود دارد (احتمالاً از قرن دوم) که دقیقاً همین کار را می‌کند، شاید اسطوره‌ای پیشین در فرهنگ شفاهی زنان وجود داشته است، و اشاره به نسب‌نامه‌ها یقیناً بوی نفوذ یهودی می‌دهد. با این حال، داستان‌ها و سنت‌های بی‌دینانه ممکن است به‌خوبی به ادامه اسطوره‌ها و سنت‌های محلی سنتی اشاره داشته باشند که در فرهنگ بت‌پرستانه افسس ریشه داشتند و التقاط (درآمیختگی‌ها) را در بر می‌گرفتند. افزون بر این، پراکندن غیبت یا تهمت خانه به خانه را پولس به‌عنوان مشکل بیوه‌زنان برجسته می‌کند (5:13)، و تهمت زدن تنها رفتاری بود که برای شماسان زن ممنوع شده بود (3:11). جالب اینکه واژه «تهمت‌زن» در 3:11 διαβολος است – پیوند پوشیده دیگری میان یک رفتار مسئله‌دار در میان زنان و ابلیس.

9.2.2.3 خلاصه

هدف نامه اول تیموتائوس این است که «به برخی افراد دستور دهد تعلیم نادرست را نپراکنند و به اسطوره‌ها و نسب‌نامه‌های بی‌پایان توجه نکنند» (1:3-4). مردانی معین تعلیم نادرست می‌پراکنند، و نتایج این تعلیم نادرست خشونت و نزاع در میان مردان بود، با اولویت پول درآوردن، احتمالاً از راه خدمت. برخی از این معلمان کذب دیوصفت یا شیطانی توصیف می‌شوند، زیرا زنان را هدف گرفته و فریب

می‌دادند. آنان به زنان می‌آموختند که از ازدواج و فرزندآوری دوری کنند، و آنان را به رفتار نامحجوب و پرزرق‌وبرق در پوشش و شیوه زندگی تشویق می‌کردند، که همتای اشتیاق مردان به پول است – که بسیار شبیه انجیل سلامتی، ثروت و رفاه به نظر می‌رسد. زنان همچنین سرچشمه روایت‌های مسئله‌دار بودند، که هم اسطوره‌ها و نسب‌نامه‌ها و هم غیبت و تهمت را در بر می‌گرفت، و همه این‌ها در خانواده ادامه می‌یافت و خانه به خانه گسترش پیدا می‌کرد – بدین‌سان خود زنان به «ابلیس‌ها» (διάβολοι، تهمت‌زنان) تبدیل شدند.

9.3 پادزهرهایی برای تعلیم نادرست (15-2:1)

با توجه به نوع تعلیم نادرست و پراکندن اسطوره‌ها و نسب‌نامه‌ها، می‌توان دید که سه واحد در 15-2:1 پادزهرهایی برای مشکلاتی فراهم می‌کنند که تیموتائوس با آن‌ها مبارزه می‌کند. به مردان دستور داده می‌شود دعا کنند، به زنان دستور داده می‌شود با حجب و وقار لباس بپوشند، و زنان باید به آموزش روحانی در خانه بپردازند.

9.3.1 پادزهر تعلیم نادرست در میان مردان (8-2:1)

هنگامی که پولس از ایمانداران خواست برای همه دعا کنند، از جمله برای فرمانروایان و صاحبان قدرت، هدف بنا بر 7-2:3 این بود که همه انسان‌ها نجات یابند و به شناخت حقیقت برسند، که اراده خدا و انجیل پولس است. در اصل از همه خواسته می‌شود که برای مأموریت پولس دعا کنند، به‌طوری که دعا با مخالفت با پولس مقابله می‌کند. پولس در 2:2 ب می‌نویسد که نتیجه دعا برای همه این است «تا زندگی‌ای آرام و صلح‌آمیز در کمال دینداری و وقار داشته باشیم». این نتیجه درست عکس آن چیزی است که تیموتائوس در رفتار مردان و زنان افسس با آن روبه‌رو بود. سپس در 2:8، چنان‌که تاوئر (Towner) مشاهده می‌کند، «پولس به جماعت به تفکیک جنسیت می‌پردازد. با الهام از یک جدول وظایف خانوادگی، نخست مردان [شوهران] را خطاب می‌کند و با اقتدار با آنان سخن می‌گوید.» مردان باید دست‌های مقدس را برافرازند، فارغ از خشم و مجادله. بنابراین دعا نخستین پادزهر پولس در برابر تعلیم نادرست است و به مشکلات مردان با خشم و نزاع می‌پردازد.

9.3.2 پادزهر پوشش شایسته برای زنان (10-2:9)

برای رسیدن به هدف «زندگی‌ای آرام و صلح‌آمیز در کمال دینداری و وقار» (اول تیموتائوس 2:2)، به زنان دستور داده می‌شود لباسی محجوب و باوقار بپوشند، به‌عنوان پادزهری در برابر کوشش برای داشتن زندگی‌ای در تجمّل. «همچنین» (ὡσαύτως) در 2:9 نشان می‌دهد که دستورها به زنان موازی با دستورها به مردان است، و 2:9 فعل متصرف «می‌خواهم» (βούλομαι) را نیز با دستورها به مردان در 2:8 مشترک دارد. اما دستورهای مربوط به پوشش، شرط‌هایی برای دعای زنان نیستند (پوشش را به دعا پیوند نمی‌دهند)، بلکه پادزهری موازی در برابر بخشی از رفتار زنان‌اند. این دستورها مستقل‌اند و به نگرانی‌ای درباره زنان در کلیسای افسس می‌پردازند، نگرانی‌ای که یکی از ارزش‌های فرهنگی جهان یونانی-رومی در قرن اول را بازتاب می‌دهد. در اینجا زندگی در تجمّل با داشتن گیسوان بافته‌شده پرزرق‌وبرق، طلا، مروارید و لباس‌های گران‌بها توصیف می‌شود. دستورها با توصیف پوشش شایسته آغاز می‌شوند (2:9) و سپس به پادزهری مکمل می‌رسند: تشویق زنان به اینکه خود را با کارهای نیکو آراسته و دلپذیر سازند (2:10).

9.3.3 دستورهایی برای اصلاح تعلیم نادرست در میان زنان (15-2:11)

کانون این بخش، که با بیشترین تأکید و بیشترین توضیح همراه است، پادزهری است در برابر فریب خوردن زنان از تعلیم نادرست در خانه‌هایشان و پراکندن اسطوره‌ها و نسب‌نامه‌ها به خانه در میان زنان. پولس به زنان دستور می‌دهد که در خانه از نظر روحانی آموزش ببینند: «زن باید [تعلیم سالم را در خانه] در آرامی و با کمال تسلیم بیاموزد» (2:11). جای گرفتن این امر در قلمرو خانه با تغییر از جمع (زنان) به مفرد (زن) نشان داده می‌شود؛ هر زن باید تعلیم شخصی دریافت کند. اشاره به آموزش یا پرورش روحانی او نیز به زمینه‌ای خانگی اشاره دارد، که با اشاره به بنیان‌گذاری ازدواج در پیدایش 2 و اشاره به زاییدن فرزند تأیید می‌شود. تیموتائوس به احتمال زیاد از انتظار پولس آگاه بود که هر مرد مسئولیت آموزش روحانی همسرش را بر عهده گیرد. این بخش با سنت پولسی رابطه‌ای دارد، زیرا شباهت‌های آشکاری با دستوره‌های اول قرن‌تین 35-14:34 نشان می‌دهد:

«زنان در جماعت‌ها خاموش باشند، زیرا به ایشان اجازه سخن گفتن نیست، بلکه باید تسلیم باشند، چنان‌که شریعت نیز می‌گوید. اما اگر بخواهند چیزی بیاموزند، در خانه از شوهران خود بپرسند؛ زیرا برای زن شرم‌آور است که در جماعت سخن بگوید.»

[اول تیموتائوس 12-2:11 زن [تعلیم درست را در خانه] در آرامی و با کمال تسلیم بیاموزد. و به زن اجازه نمی‌دهم که تعلیم دهد یا بر شوهرش مسلط شود، بلکه در آرامی بماند.

شباهت‌ها عبارت‌اند از: (1) دستور به خاموشی/آرامی (σιγάτωσαν, ἡσυχία); (2) منع سخن گفتن/تعلیم دادن (λαλεῖν, διδάσκειν); (3) زبان تسلیم یا خویشتن‌داری (ὑποτασσέσθωσαν, ἐν πάσῃ ὑποταγῇ); و (4) آموختن در خانه به عنوان چاره‌ای برای مشکل موجود (μαθεῖν, μανθανέτω). تکرار فعل μανθάνω («آموختن») آشکارترین شباهت و کلید شباهت‌های دیگر میان این دو متن است. هر دو متن عنصری از رفتار فرهنگی مورد انتظار میان شوهران و زنان را در بر دارند. آموزش زن معمولاً در خانه انجام می‌شد، در قلمرو خانگی که او در آن فعالیت می‌کرد. هر دو متن نشان می‌دهند که شیوه پولس آموزش روحانی زن را در خانه به وسیله شوهر ترویج می‌کرد، به‌ویژه در مواردی که تعلیم یا اصلاح لازم بود. در قرن‌تس زنان در جلسه کلیسا با سخن گفتن خود اخلاص می‌کردند. پولس این احتمال را در نظر می‌گیرد که آنان سخن می‌گویند چون پرسش‌هایی دارند یا تعلیم را نمی‌فهمند. راه‌حل او برای این مشکل این است که هر شوهر مسئولیت پاسخ دادن به پرسش‌های همسرش را در خانه بر عهده گیرد. بدین‌سان اول تیموتائوس 2 و اول قرن‌تین 14 نشان می‌دهند که به‌طور کلی شکافی چشمگیر میان فهم الهیاتی و کتاب مقدسی شوهران و زنان وجود داشت، و اول قرن‌تین 14 همچنین نشان می‌دهد که دست‌کم برخی از زنان از فهم رفتار اجتماعی شایسته در هنگام تعلیم و نصیحت عمومی/کلیسایی بی‌بهره بودند. این امر تفاوت‌ها در سطح آموزش و در شیوه آموزش مردان و زنان را بازتاب می‌دهد؛ زنان در خانه آموزش می‌دیدند و از این رو برای کلاس درس اجتماعی نشده بودند. این همچنین با نقش‌های سنتی جنسیتی هماهنگ است که در جهان یونانی-رومی قرن اول با جدول‌های وظایف خانوادگی تعیین شده بودند.

بنابراین زبان تسلیم و آموختن با زمینه بزرگ‌تر نظم خانوادگی (جدول‌های وظایف خانوادگی) و با وضعیت کلیساهای پولس هماهنگ است: زنانی که آشکارا به تعلیم نیاز داشتند، باید در خانه «حالت و نگرش آموزندگان» را در پیش می‌گرفتند. این حالت با آنچه در قرن اول در تربیت پسران انتظار می‌رفت مطابقت داشت، و همچنین با تربیت خانگی دختران و زنان. بنا بر اول تیموتائوس 2:12، پولس به یک زن شوهردار

اجازه نمی‌دهد که نقش‌ها را وارونه کند و در خانه رهبر و راهنمای روحانی تعیین‌کننده شوهرش شود (یا دقیقاً در همین یک مورد اجازه نمی‌دهد): «به زن اجازه نمی‌دهم که شوهرش را تعلیم دهد یا او را کنترل کند. بلکه باید شنونده‌ای آرام باشد». چون 2:11 از قلمرو خانگی و از رابطه معلم و شاگرد سخن می‌گوید، منع تعلیم در 2:12 نیز در همان زمینه خانگی قرار دارد. از نظر دستوری، این را می‌توان یا شیوه‌ای کلی دانست که با آن پولس اجازه نمی‌دهد مسئولیت تعلیم در خانواده جابه‌جا شود، یا ادامه چاره‌ها در برابر مشکلات زنان در افسس. منع تعلیم با تأکید در جای نخست آمده است؛ سپس پولس این منع را می‌افزاید که زن شوهرش را «کنترل کند» یا «بر او چیره شود» یا او را «برخلاف میلش وادار کند». شاید نگرانی درباره جابه‌جایی نقش در تعلیم با نگرانی کلی‌تری درباره جابه‌جایی کامل نقش‌ها مربوط باشد، که در آن زن شوهرش را زیر کنترل خود نگه می‌دارد. این ممکن است مشکلی باشد که از تعلیم نادرست و از زنان رهایی‌یافته ناشی می‌شد، یا ممکن است مشکلی باشد که مستقیماً با زنان ثروتمند مربوط بود؛ ثروت در کلیسا و در میان بیوه‌زنان آشکارا مشکل بود. اگر بیوه‌زنان و زنان شوهردار از راه ارث ثروتمند بودند، ممکن است وارونگی نقش‌ها واقعاً وجود داشته است؛ در واقع ارسطو چنین مورد استثنایی را توصیف کرد که در آن زن به سبب ارثی که به او قدرت می‌داد بر خانواده فرمان می‌راند: «اما گاه زنان فرمان می‌رانند، چون وارث‌اند. پس فرمانروایی آنان بر پایه فضیلت نیست، بلکه به سبب ثروت و قدرت است، مانند الیگارش». **اما این قطعاً آرمان فرهنگی نبود، و می‌توانست شوهران و کلیسا را در انظار عمومی شرمسار کند.**

منع جابه‌جایی نقش‌ها در خانه از سوی پولس احتمالاً سه دغدغه را بازتاب می‌دهد. **نخست**، زنان سرچشمه اسطوره‌ها و نسب‌نامه‌هایی‌اند که پولس به طور خاص می‌کوشد با آن‌ها مبارزه کند، با این کار که از مردان می‌خواهد همسرانشان را در خانه تعلیم دهند. این اسطوره‌ها و نسب‌نامه‌ها باید جاذبه‌ای عمومی داشته و به زنان اندازه‌ای اعتبار در کلیسا بخشیده باشند؛ در واقع پولس حتی باید به تیموتائوس هشدار دهد که از آن‌ها دوری کند. **دوم**، پولس می‌خواهد از ننگ و داوری منفی فرهنگی پرهیز کند که اگر زنان در کلیسا نقش و رفتار مردان را بر عهده می‌گرفتند پدید می‌آمد؛ رایج بود که به یک دین از راه رفتار به ظاهر ناشایست زنانش حمله کنند. **سوم**، الگوی پولس از ازدواج، رهبری کلیسا و اقتدار، خلاف جریان فرهنگ بود. **الگوی او با این ویژگی شناخته نمی‌شد که یک نفر بر دیگری چیره شود یا با سوءاستفاده بر او قدرت و کنترل اعمال کند؛ به بیان دیگر، او همچنین نمی‌خواست که شوهران بر همسرانشان αὐθεντεῖν (چیرگی کنند). اما ممکن است ملاحظه دیگری هم در میان باشد. اگر گروهی از زنان یک‌جانبه تصمیم می‌گرفتند رابطه جنسی را از شوهرانشان دریغ کنند، این در چشم آن فرهنگ یکی از بدترین خطاهایی بود که یک زن شوهردار می‌توانست مرتکب شود. همین به‌تنهایی در دامنه معنایی αὐθεντέω جای می‌گیرد، و در زمینه جامعه مسیحی، که در آن رابطه جنسی بیرون از ازدواج برای مرد ممنوع بود، به‌ویژه نکوهیده بود. پولس هیچ توجیهی برای این رفتار را نمی‌پذیرفت.**

ارجاع‌ها به پیدایش 3-2 در اول تیموتائوس 2:13-14 در چارچوب نیاز به آموزش روحانی زنان و فریب خوردن زنان از معلمان کذب قرار گرفته‌اند، و این معلمان شیطان‌ی توصیف می‌شوند (5:15). پولس در 2:13-14 می‌نویسد: «نخست آدم سرشته شد و سپس حوا. آدم فریب نخورد، بلکه همسرش کسی شد که از حد گذشت، زیرا کاملاً فریب خورد.» **با توجه به زمینه، ممکن است پولس شباهت‌هایی گونه‌شناختی (تیپولوژیک) با آفرینش و سقوط نشان دهد. از جنبه مثبت، چاره – آموزش روحانی زن به وسیله شوهرش – با سرشته شدن آدم و حوا در آفرینش مطابقت دارد، دست‌کم در ترتیب. از جنبه منفی، فریب خوردن زنان از معلمان کذب دیوصفت/شیطانی با فریب خوردن حوا از مار مطابقت دارد. از سوی دیگر می‌توان**

استدلال کرد که این اصلاحی کوتاه درباره محتوای اسطوره‌هاست. احتمال سوم این است که پولس پیش‌زمینه کتاب مقدسی مربوط به مسئله اصلی مورد مناقشه را بیان می‌کند که در میان زنان مشکل پدید می‌آورد: پیامدهای سقوط برای زاییدن فرزند.

نقش اول تیموتائوس 2:13-14 هرچه باشد، باید اشاره به زایمان در اول تیموتائوس 2:15 را در پرتو چارچوب روایی‌ای بخوانیم که پولس با خلاصه خود از پیدایش 2-3 وارد بحث می‌کند. پیامدهای سقوط برای زنان در پیدایش 3:16 بیان شده‌اند: «و به زن گفت [خدا]: رنج آبستنی تو را بسیار افزون می‌کنم؛ با درد فرزندان خواهی زایید، و اشتیاق تو به شوهرت خواهد بود، و او بر تو فرمان خواهد راند». **نخستین خوانندگان اشاره پولس به زایمان را ادامه روایت آفرینش و سقوط می‌فهمیدند – نه گفته‌ای درباره اینکه زنان چگونه نجات می‌یابند یا خدا چه نقشی برایشان در نظر گرفته است. موضوع‌های پیرامون زایمان برای مشکلات افسس اهمیتی ویژه دارند.** از جمله آن‌ها افزایش زایمان‌ها، افزایش درد زایمان برای زنان و چیرگی شوهر بر زن است. به نظر می‌رسد تعلیم نادرستی که ازدواج را منع می‌کرد و از فرزندآوری باز می‌داشت، کوششی برای برگرداندن سقوط بوده است. این برای زنان کلیسا جاذبه داشت، زیرا در جهان باستان هر بارداری خطر جانی داشت؛ عوارض بارداری و زایمان شایع‌ترین علت مرگ زنان بود. یکی از ویژگی‌های مشترک دین زنان دوران باستان، به کار بردن جادو، قربانی‌ها و دعاها برای یاری و حفاظت در زمان زایمان بود؛ شاید زنان احساس می‌کردند که حفاظت مورد نیازشان را به وسیله تعلیم نادرست یا در آن می‌یابند. رواج گسترده جادو و پرستش آرتیمیس در پژوهش‌های مربوط به کتاب اعمال رسولان به عنوان پیش‌زمینه‌ای مهم برای کلیسای نخستین در افسس پذیرفته شده است، به ویژه به سبب گزارش‌های لوقا درباره سوزاندن طومارهای جادویی به دست ایمانداران افسسی (اعمال رسولان 19:18-19) و درباره شورش نفره کاران (23:19-40). به جای اینکه نتیجه بگیریم سوزاندن طومارها به هر گونه التقاط جادوی محلی با مسیحیت نخستین برای همیشه پایان داد، باید آن را گواهی بدانیم بر اینکه جادو تا چه اندازه در میان مردم عادی رواج داشت و اینکه برخی ایمانداران حتی پس از گرویدن به مسیحیت همچنان آن را به کار می‌بستند. با اطمینان می‌توانیم فرض کنیم که جادو به ویژه در میان زنان همچنان موضوعی مطرح ماند. آنان در زایمان و مامایی همچنان با رغبت به «داروهای خانگی» آزموده شده محلی روی می‌آوردند – که در رسم بت‌پرستانه آمیزه‌ای جدایی‌ناپذیر از طب طبیعی و جادو بود.

از این هم مهم‌تر این واقعیت است که آرتیمیس، الهه نگهبان افسس، الهه زایمان بود و سرچشمه‌ای مهم برای سلامت عمومی به شمار می‌رفت. میان مردم افسس و آیین آرتیمیس پیوندی ویژه وجود داشت، و به گفته پل تربیلکو (Paul Trebilco) سرزندگی پایدار این آیین را کتیبه سالوتاریس (Salutaris) از سال 104 میلادی گواهی می‌دهد، که دسته‌ای باشکوه را توصیف می‌کند که در آن سی‌ویک تمثال حمل می‌شد، از جمله نه تمثال آرتیمیس – رویدادی مهم در شهر که هر دو هفته یک بار برگزار می‌شد. گای مک‌لین راجرز (Guy MacLean Rogers) یادآور می‌شود که زایش این الهه به «احساس هویت اجتماعی و تاریخی مردم افسس در جهان پیچیده و دگرگون‌شونده روم» کمک می‌کرد. او ادعا می‌کند که این دسته‌های دوهفته‌ای به مردم می‌آموختند «به ... زایش الهه آرتیمیس در افسس بنگرند تا دریابند که چگونه هویت اجتماعی و تاریخی افسسیان در واقعیتی "مقدس" بنیان داشت که در برابر همه خطرهای ساخته دست انسان آسیب‌ناپذیر بود». استرابون (Strabo) نوشت: «آرتیمیس نامش را از این واقعیت گرفته است که انسان‌ها را ἄρτεμίας می‌سازد»، که به معنای «سالم و تندرست» است؛ یا چنان‌که آرتمیدوروس (Artemidorus) می‌گوید، ὑγιές (تندرست). از این بیشتر، یکی از لقب‌های آرتیمیس Σώτειρα (نجات‌دهنده) بود؛ و آخیلس

تاتیوس (Achilles Tatius) می‌نویسد: «اما الهه بزرگ آرتمیس هر دوی آنان را نجات داد»، که آشکارا نشان می‌دهد در یونانی عامیانه، σωτηρία (نجات دادن) به طور کاملاً طبیعی برای توصیف یاری، شفا و حفاظت آرتمیس به کار می‌رفت – از جمله در عرصه‌هایی از زندگی مانند زایمان. شگفت‌آور نیست که اعمال رسولان 27-19:23 پولس را رقیب مستقیم آرتمیس نشان می‌دهد، که آیین او را هدف می‌گیرد و مردم را آگاهانه از پرستش آرتمیس باز می‌دارد و دور می‌کند.

یکی از راه‌های خواندن آخرین گفته این بخش (اول تیموتائوس 2:15) چنین است: پولس خطر واقعی‌ای را که زایمان برای زنان دارد (مرگ‌ومیر مادران) جدی می‌گیرد. او مرد و زن را تشویق می‌کند که به خدا اعتماد کنند که زن را در زایمان حفظ می‌کند. او همچنین یاری‌ای عملی ارائه می‌دهد، در این حکم برای هر دو که با یکدیگر با محبت، قدوسیت و خویش‌ن‌داری رفتار کنند: «اما زن به سلامت از زایمان گذرانده خواهد شد، اگر هر دو در ایمان، در محبت و در قدوسیت بمانند، با خویش‌ن‌داری». چنان‌که در فصل 4 [از کتاب وستفال] گفته شد: اگر اول تیموتائوس 2:11-15 زمینه‌ای خانگی دارد، آنگاه منظور از «آنان» در «اگر ... بمانند» به احتمال بیشتر شوهر و زن است. هر دو از همان 2:11 در نظرند، جایی که سخن از تعلیم زن در خانه است؛ در 2:12 صریحاً نام برده می‌شوند، و در 2:13-14 آدم و حوا به گونه‌ای گونه‌شناختی نماینده آنان‌اند. بنا بر پژوهش‌های مربوط به مرگ‌ومیر مادران، شوهر در غلبه بر پیامدهای سقوط نقشی تعیین‌کننده دارد. اگر شوهران همسرانشان را – در تصمیم‌گیری درباره شمار فرزندان و در مراقبت هنگام زایمان – مشارکت ندهند، این مستقیماً به مرگ‌ومیر کمک می‌کند. به کار بستن خویش‌ن‌داری البته برای جلوگیری از بارداری‌های پیاپی، که آن‌ها نیز می‌توانند تهدیدکننده جان باشند، تعیین‌کننده است.

وقتی به تفسیر اول تیموتائوس 2 نزدیک می‌شویم، هر یک از ما تصمیم‌هایی تفسیری می‌گیریم که نتیجه را تعیین می‌کنند. چون این نامه‌ای شخصی است، خواننده باید بسیاری از چیزهایی را که صریحاً در آن نیامده است از متن استنباط کند. بهترین نشانه برای زمینه نامه را خود متن به دست می‌دهد. اصلاح تعالیم نادرست احتمالاً هدف کل نامه است (اول تیموتائوس 4:1-3). مشکلات مربوط به تعلیم نادرست و مسائل وابسته به آن، که در فصل‌های 4-6 توصیف شده‌اند، مستقیماً با دستورهای پیوند دارند که در 2:15-1 به مردان و زنان داده می‌شوند، به طوری که بخش مورد بحث را می‌توان «پادزهری برای تعلیم نادرست» فهمید. دغدغه اصلی پولس درباره مردان خشم و نزاع است، که در نیمه دوم نامه به تفصیل به آن می‌پردازد؛ این گرایش به مجادله و نزاع را نمی‌توان به جلسه پرستشی هفتگی محدود کرد. بخش مورد مناقشه‌ای که در 2:9-15 زنان را خطاب می‌کند نیز در چارچوب یک جلسه پرستشی نمی‌گنجد. بهتر است آن را نوعی نظم خانوادگی (جدول وظایف خانوادگی) فهمید، که در آن تعالیم نادرستی که به خانواده‌ها رخنه کرده بودند، باید در هر خانواده به دست شوهر اصلاح می‌شدند، که بهتر از هر کسی می‌توانست مسئولیت آموزش روحانی همسرش را بر عهده گیرد. پولس به جای اینکه زنان را از همکاری به عنوان رهبر در کلیسا منع کند، به کمبودهایی در شاگردسازی می‌پردازد که ایمانداران افسس را از تعلیم پخته و سالم باز می‌دارند. اشاره‌های پولس به آفرینش و سقوط مستقیماً به ازدواج، رابطه جنسی و زایمان مربوط‌اند – موضوع‌هایی که پولس بعداً در نامه به عنوان حوزه‌های مشکل‌دار در میان زنان مشخص می‌کند. پولس دستورهایش را با پرداختن به نگرانی‌های بسیار واقعی زنان درباره پیامدهای سقوط برای رنج طاقت‌فرسای زایمان به پایان می‌برد، و هم وعده‌ای روحانی از نجات و هم راه‌حلی عملی پیش می‌نهد.

پی‌گفتار

ترجمه من در سال 2021 با شتاب پدید آمد و در اکتبر 2026 بازبینی شد. درباره این متن کوتاه پولس، به لطف وستفال (Westfall) چیزهای بسیاری برایم روشن‌تر شده است. تفسیرهای آلمانی‌ای را که در دسترس دارم نگاه کردم. در این باره تنها چند یادداشت می‌آورم. این بررسی تک‌تک تفسیرها نیست.

ویلیام بارکلی (William Barclay)، 1956: برای این کهنه‌کار سترگ تفسیر کتاب مقدس روشن است: محدودیت‌ها برای زنان تعلیم‌دهنده تنها در زمینه تاریخی ریشه دارند. این محدودیت‌ها می‌بایست با بدنامی مسیحیان مقابله کنند. برای او عطای یک انسان و خدمتش اهمیت دارد، کاملاً مستقل از جنسیت.

لورنتس اوبرلینر (Lorenz Oberlinner)، 1994، انتشارات Herder، Herders Theologischer Kommentar zum Neuen Testament² (مفصل، دقیق، روشنگر، اما با رویکرد تاریخی-انتقادی (به کتاب مقدس))

«از آنجا که در نامه‌های شبانی، اهمیت ایمان و زندگی مسیحی در اثرش بر غیرایمانداران آشکار می‌شود (ر.ک. 3:7؛ 5:14؛ 6:1؛ تیتوس 2:5، 8، 10)، هیچ چیز مانع از این نیست که پولس نامه‌های شبانی، در تصور تصویر آرمانی خود از یک زن مسیحی، به «آرمان زن ساده و پرهیزگار که در آرامش خانه و خانواده فعالیت می‌کند» نظر داشته باشد، آرمانی که هم با تصور هلنیستی-رومی و هم با تصور یهودی مطابقت دارد.»³

«برای تفسیری از بخش ما که درخور موضوع و مطابق نیت نامه‌های شبانی باشد، پاسخ به این پرسش اهمیتی ویژه خواهد داشت که زمینه تاریخی آن روزگار یا اوضاع کلیسا که به این دستورها انجامیدند، تا چه اندازه قابل تعیین است.»⁴

«زمینه تاریخی را در دستورهایی که در اینجا برای زنان بیان شده‌اند همیشه باید در نظر گرفت، هم در ارزیابی تاریخی آن‌ها و هم در امکان‌ها و محدودیت‌های اثرگذاری‌شان در طول تاریخ.»⁵

هاینتس-ورنر نویدورفر (Heinz-Werner Neudorfer)، 2004. Historisch-Theologische Auslegung (HTA).

این مجموعه را بهترین چیزی می‌دانم که به زبان آلمانی وجود دارد. (به زبان انگلیسی در نسخه Logos من حدود 15 تفسیر خوب از این دست در دسترس است.)

نویدورفر از جمله یادآور می‌شود که «همچنین زنان» به دعای عمومی زنان مربوط است. او نیز مانند همه دیگران در اینجا به دستورهایی به‌ویژه برای جلسه پرستشی کلیسا می‌اندیشد. به نظر من او همچنین به سختی می‌تواند تفسیری یکپارچه و منسجم برای این بخش ارائه دهد، اما به جزئیات جالب بسیاری اشاره می‌کند.

او همچنین مروری کوتاه بر بحث‌ها درباره نقش زن و مرد به دست می‌دهد، بحث‌هایی که من با این گستردگی و درازا تنها از جهان انگلیسی‌زبان می‌شناسم. این وضعیت اکنون بیش از 20 سال قدمت دارد.

هانس بورکی (Hans Bürki)، 1983. Wuppertaler Studienbibel.

بورکی تأکید می‌کند که همه دستورها به یک سوءاستفاده مربوط‌اند. در مجموع خواندنی است و زمینه نامه را برجسته می‌کند.

جنبش برادران: داربی (Darby) (Synopsis، قرن 19)، اف. بی. هول (F. B. Hole)، آرنه رمز (Arend Remmers) (1986)، ویلیام مک‌دونالد (William MacDonald) (1989)

تفسیرهای جنبش برادران **همگی** در این مشترک‌اند که زمینه فرهنگی، وضعیت افسس و ویژگی شخصی نامه برایشان تقریباً بی‌اهمیت یا ناشناخته است. این تأملات مدتی دراز اندیشه مرا شکل داده‌اند. آن‌ها در موارد زیر هم‌نظرند:

سخن (بیش از همه) درباره جلسه پرستشی است.

سخن درباره نقش‌هایی از مرد و زن است که خدا تعیین کرده است. مرد بالاتر از زن است. این از آفرینش آدم و حوا استدلال می‌شود. این را نظم آفرینش می‌نامند.

همه فمینیسم را علت می‌دانند، هرگاه این متن به طور تحت‌اللفظی و به عنوان کلام معتبر خدا پذیرفته نشود.

متن ساده و روشن است.

هول: «نخست، خدا در آفرینش به مرد برتری و رهبری داد. این در آیه 13 آمده است. سپس آنچه در سقوط رخ داد می‌آید، هنگامی که حوا رهبری را به دست گرفت و فریب خورد. آیه 14 درباره همین است. این بخش کاملاً صریح و روشن است. واقعاً هیچ تردیدی درباره آنچه در اینجا تعلیم داده می‌شود وجود ندارد.»⁶

مک‌دونالد: «پولس با تکیه دادن استدلال‌هایش بر آفرینش، هر اندیشه‌ای را که در اینجا ممکن است مسائل فرهنگی در کار باشد کنار می‌گذارد.»

اما با توجه به پژوهش وستفال، ممکن است موضوع چنین باشد:

سخن درباره نقشی از مردان و زنان نیست که در آفرینش نهاده شده باشد.

پولس به مشکلات مشخص مردان و زنان می‌پردازد و چاره‌ها را توصیف می‌کند. چنین مشکلاتی ممکن است در جاهای بسیاری به همین شکل وجود داشته باشد – یا اصلاً وجود نداشته باشد. سخن در اینجا مشخصاً درباره افسس است، جایی که تیموتائوس در آن به سر می‌برد.

اشاره بسیار کوتاه به آفرینش، نظم آفرینشی فراتر از زمان یا متعالی را توصیف نمی‌کند. این اشاره به عنوان قیاس به کار می‌رود، به عنوان مثالی مقایسه‌ای برای زنانی که درگیر این مسئله بودند. «آدم نخست آفریده شد» با شوهرانی مقایسه می‌شود که تعلیم سالم را می‌شناختند و باید همسرانشان را در خانه تعلیم می‌دادند.

حوا به همان شیوه‌ای فریب خورد که برخی زنان افسس، که از این رو به تعلیم نیاز داشتند. (شاید این متن همچنین اشاره دارد که آدم، که حکم را پیش از آفرینش حوا دریافت کرد، او را به اندازه کافی درباره این حکم تعلیم نداده بود. اما این تنها یک فرض است.)

همچنین بسیار ممکن است که اسطوره‌های افسسی (و بعدها گنوسی) درباره آفرینش اصلاح می‌شوند، اسطوره‌هایی که در آن‌ها حوا نخستین آفریده و آدم فریب‌خورده بود.

پس کسی که این چند کلمه را به نظم آفرینش ارتقا می‌دهد، زن را، یعنی هر زنی را، جنسی فریب‌پذیر می‌سازد، چنان‌که گویی مردان فریب‌پذیر نیستند یا شاید کمتر فریب‌پذیرند. این خوانش از متن با کل تصویر کتاب مقدس در تضاد است، جایی که مردان درست به همان اندازه زنان فریب‌پذیر و گمراه‌شدنی‌اند: این مشکل زنان نیست، مشکل بشریت است!

اینکه آدم نخست آفریده شد و پس از او زن، آدم را خودبه‌خود سَر یا رهبر نمی‌سازد. ترتیب زمانی دلیلی برای این نیست. حیواناتی که نخست آفریده شدند نیز بالاتر از انسان‌ها نیستند. انسان آخر از همه آفریده شد. در این زمینه اغلب عبارت «تاج آفرینش» را می‌شنویم. اگر این شیوه اندیشیدن را بر آدم و حوا به کار ببریم، حوا به‌عنوان آخرین آفریده بلندمرتبه‌تر می‌بود. البته چنین نیست. ترتیب زمانی شاید تفاوتی پدید آورد، اما سلسله‌مراتب پدید نمی‌آورد. اگر زنی از شوهرش بزرگ‌تر باشد، ما نیز نتیجه نمی‌گیریم که او بلندمرتبه‌تر است و شوهرش فروتر.

کسی که ذهنیتی سلسله‌مراتبی دارد، این عبارت «نخست آفریده شد» را این‌گونه خواهد فهمید. اما آیا پولس چنین قصدی داشت؟ پولس در متن موازی در اول قرن‌تیا 11 این نتیجه‌گیری را لغو می‌کند یا از آن پیشگیری می‌کند، تا روشن کند که هیچ تفاوت سلسله‌مراتبی وجود ندارد. [اول قرن‌تیا 11:11-12] با این همه، در خداوند نه زن بدون مرد است و نه مرد بدون زن. زیرا همان‌گونه که زن از مرد است، مرد نیز به‌وسیله زن است؛ اما همه‌چیز از خداست.

در مجموع، بسیاری از مفسرانی که زبان اصلی عهد جدید را می‌دانند، می‌گویند که این متنی دشوار است. همین به‌تنهایی کافی است که روا نباشد از آن منعی چنین گسترده برای تعلیم و رهبری ساخته شود.

مفسران جنبش برادران در این از یکدیگر پیشی می‌گیرند که به هر زنی جایگاه فرودستش را نشان دهند و خاموشی در گردهمایی‌ها را بر او تحمیل کنند. بنا بر این دیدگاه، اینکه زنان نیز بتوانند رهبری/هدایت کنند، فمینیسم محض است.

افزون بر این، هیچ‌یک از آنان نمی‌تواند دلیلی پذیرفتنی بیاورد که چرا زایمان نیز ذکر می‌شود. آفرین بر وستفال که نشان می‌دهد این موضوع چگونه با تعلیم نادرست ارتباط دارد (ازدواج نکردن، مجرد زیستن، تا بدین‌سان نجات یافتن) و نیز با آرتمیس، الهه نگهبان افسس، که در سراسر امپراتوری روم شناخته‌شده و مورد پرستش بود.

توجهم جلب شد که به‌ویژه مفسران جنبش برادران سرانجام خودشان از این منع سخت‌گیرانه تعلیم (اگر آن را چنین تفسیر کنیم) در شگفت‌اند. این را تنها میان سطرها می‌توان یافت. آن را از اینجا می‌توان دریافت که چگونه آنگاه می‌کوشند برجسته کنند که خدمات خواهران چه اندازه مهم است، چنان‌که گویی باید چیزی را جبران کنند. اما این اصلاً لازم نیست، اگر در افسس سخن از گروهی معین از زنان یا حتی از زنی معین باشد که از تعلیم دادن و چیرگی بر شوهرش منع می‌شود.

بار دیگر یادآوری می‌کنم، چنان‌که در کتابم «ای زنان، ما را ببخشید!» (Frauen, vergebt uns!) توصیف کرده‌ام، که تعلیم دادن هرگز به معنای فرمانروایی نیست. مرد نیز نباید بر زن یا به‌وسیله تعلیم دادن فرمان براند. عهد جدید چنین اندیشه‌ای را نمی‌شناسد. در 2:12 سخن از یک جفت‌واژه منفی تعلیم دادن و فرمانروایی است. چنین چیزی نباید رخ دهد، نه به‌وسیله زن و نه به‌وسیله مرد.

سخنی در نامه دوم به تیموتائوس بسیار روشن می‌کند: مردان و زنان به یک اندازه مأموریت تعلیم دادن دارند – بی‌تفاوت، چه در خانه شخصی و چه در جماعت. پولس می‌گوید: «و آنچه از من در حضور شاهدان بسیار شنیدی، به مردمان امین بسپار که قابل تعلیم دادن دیگران نیز باشند.» (دوم تیموتائوس 2:2) منظور از «مردمان»، انسان‌هاست (ἄνθρωποι, anthropoi)، یعنی مردان و زنان!

سرانجام: این متن بسیار زیاد و با شدت درباره رفتار زنان به کار برده و به کار گرفته می‌شود. به وسیله مردان. اما آیا این همان مردانی هستند که در هر جا، هنگامی که با هم روبه‌رو می‌شوند، با دست‌های برافراشته دعا می‌کنند؟ مردان این دستور پولس را تا چه اندازه به‌طور تحت‌اللفظی به جا می‌آورند؟

در ادامه پیشنهادی برای متن می‌آید: **من متن پولس را آزادانه با کلمات خودم بازگو می‌کنم، همان‌گونه که آن را کوتاه و فشرده توضیح می‌دادم – تا جایی که اصلاً چنین چیزی ممکن باشد.** یافته‌های فصل پیشین از وستفال (Westfall) را در آن گنجانده‌ام.

اول تیموتائوس 2:8-15، بازگفته Hans-Jörg Ronsdorf:

تیموتائوس عزیز، برای اینکه مشکلات افسس با برخی مردان و برخی زنان را مهار کنیم، باید این کارها انجام شود: مردان باید شروع به دعا کنند. هر جا که با هم روبه‌رو می‌شوند، آشکارا. به‌جای اینکه بر سر اسطوره‌ها و تعالیم نادرست نزاع کنند. خشم و دعوا مانع دعا می‌شوند. دعای مشترک به زندگی‌ای آرام و پرصلح می‌انجامد. با دست‌های برافراشته، گشوده و پذیرا، که از نزاع و خشونت پاک‌اند، باید با هم خدای نجات‌دهنده ما را بپرستند و برای همه انسان‌ها در برابر تخت خدا شفاعت کنند.

به همان اندازه مهم است که زنان، منظورم به‌ویژه زنان ثروتمند است، هر جا که حاضر می‌شوند و دیده می‌شوند، خود را فروتن نشان دهند. زینت آنان نباید آرایش‌های پرزرق‌وبرق و چشمگیر مو باشد، نه طلا و مروارید و نه لباس‌های گران و عجیب. چنین زینتی توجه را به آنان جلب می‌کند و اغلب قرار است از زنان دیگر پیشی بگیرد. زنانی که از مسیح پیروی می‌کنند، نیازی ندارند این‌گونه خودنمایی کنند یا از این راه نفوذ و چیرگی اعمال کنند. زینت و نفوذی هست که ارزشی بیشتر دارد و حتی همه انسان‌ها به آن احترام می‌گذارند: کارهای نیکو.

زن باید بیاموزد که حقیقت انجیل چیست. با اشتیاق به آموختن، با دقت و با کنجکاوی. در خانه خودش. به‌ویژه به یکی از این زنان اجازه نمی‌دهم که همه این اسطوره‌ها و تعالیم نادرست را پخش کند. او نباید خود را بالاتر از شوهرش بنشانند، خودسرانه بر او چیره شود و به او درس بدهد. او باید گوش دهد، هنگامی که شوهرش تعلیم سالم را برایش توضیح می‌دهد. او به این نیاز دارد. زیرا شناخت ندارد، و این ناآگاهی زیانی بزرگ به بار می‌آورد، وقتی او اسطوره‌ها را در خانه‌ها می‌پراکند. آفرینش آدم و حوا مثال مناسبی برای این وضعیت است. آدم نخست آفریده شد و او بود که می‌بایست حوا را تعلیم دهد. او فریب نخورد. اما حوا فریب خورد و گمراه شد. او از حد گذشت. برخی از زنان افسس نیز به همین وضع دچار خواهند شد، اگر با رغبت از شوهرانشان بیاموزند: آنان مانند حوا فریب خواهند خورد و برای دیگران دام خواهند شد.

و این زنان باید بدانند که در زاییدن فرزند حفظ خواهند شد. با وجود فریب خوردن حوا و دردهای بزرگ زایمان که از آن پدید آمد. خدا، نجات‌دهنده ما، نجات می‌دهد – نه آرتمیس، الهه نگهبان افسس، که ساخته دست انسان است. از این رو باید بر ایمان و محبت و قدوسیت تمرکز کنند. با هم، به‌عنوان زن و شوهر، که مانند آدم و حوا یک تن‌اند. زنان نباید از فرزنددار شدن بترسند، و مردان باید از نظر جنسی خویشتن‌دار باشند و در نظر داشته باشند که بارداری‌های بیش از اندازه برای همسرانشان خطرناک است.

Hans-Jörg Ronsdorf، 26 فوریه 2021، بازبینی‌شده در اکتبر 2026

1. منظور از **متن روایی** بیان و پرداخت داستان‌گونه یک رویداد و/یا ماجراست. در اینجا منظور بازگویی فشردهٔ پیدایش 2-3 در اول تیموتائوس 13:2-14 است.
2. Oberlinner, L., **Erster Timotheusbrief**, Herders Theologischer Kommentar zum Neuen Testament, Herder, Freiburg; Basel; Wien 1994
3. Oberlinner, L., ص. 83-84.
4. Oberlinner, L., ص. 85.
5. Oberlinner, L., ص. 89.
6. Hole, F. B., **Grundzüge des Neuen Testaments**, Christliche Schriftenverbreitung, Hückeswagen 1989، ص. 1380.